

دُعای افتتاح

الثَّنَاءُ بِحَمْدِكَ، وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنْكَ، [وَ] أَيْقَنْتُ أَنَّكَ

ستایش را آغاز می‌کنم و تویی که با کرمت به سوی درستی توجّه دهی،

[أَنْتَ] أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَأَشَدُّ

و یقین دارم که در جای عفو و رحمت مهربان‌ترین مهربانانی، و در

المُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالنَّقِمَةِ، وَأَعْظَمُ الْمُتَجَرِّبِينَ فِي

جایگاه مجازات و انتقام، و سخت‌ترین کيفرکننده‌ای، و در

مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظْمَةِ. اللَّهُمَّ أَذِنْتَ لِي فِي دُعَائِكَ

موضع بزرگ‌منشی و عظمت بزرگ‌ترین جباری. خدایا در خواندنت، و در درخواست از حضرتت

وَمَسَأَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعٌ مِدْحَتِي، وَأَجِبْ يَا رَحِيمٌ دَعْوَتِي،

به من اذن دادی، پس ای شنوا بشنو ستودنم را، و ای مهربان اجابت کن دعایم را،

وَأَقِلْ يَا غَفُورٌ عَثْرَتِي؛ فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَهَا،

و ای آمرزنده بیامرز لغزشم را، ای خدای من چه بسیار سختی‌هایی که گره گشودی،

وَهُمُومٌ قَدْ كَشَفْتَهَا، وَعَثْرَةٌ قَدْ أَقَلْتَهَا، وَرَحْمَةٌ قَدْ نَشَرْتَهَا،

و اندوهها که برطرف کردی، و لغزشها که آمرزیدی، و رحمت که گستریدی،

وَحَلَقَةٌ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتُهَا. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً

و زنجیر و بلا که باز کردی، سپاس خدای را که همسر

وَلَا وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِئِيٌّ مِنْ

و فرزندی برنگرفته، و در فرمانروایی شریکی برایش نیست، و سرپرستی از روی ناتوانی

الذُّلِّ؛ وَ كَبَّرَهُ تَكْبِيرًا. الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ كُلِّهَا، عَلَيَّ

نداشته است، و او را بزرگ شمار بسیار بزرگ. سپاس خدای را با همه ستودنیهایش، بر

جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ،

تمام نعمتهايش، سپاس خدای را که در فرمانروایی رقیبی ندارد،

وَلَا مُنَازِعَ لَهُ فِي أَمْرِهِ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ،

و برای او در کارش نزاع‌کننده‌ای نیست، سپاس خدای را که در آفرینش شریکی ندارد،

وَلَا شَبِيهَ (لَا شِبَهَ) لَهُ فِي عِظَمَتِهِ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ

و در بزرگی شبیهی برای او نیست. سپاس خدای را که

دُعای افتتاح

أَمْرُهُ وَحَمْدُهُ، الظَّاهِرِ بِالكَرَمِ مَجْدُهُ، الْبَاسِطِ بِالْجُودِ يَدُهُ،

فرمان و سپاسش در آفریدگان جاری است و بزرگواری اش با کرمش آشکار است، و دست لطفش به سخاوت

الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ، وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا جُودًا

گشوده، خدایی که گنجینه هایش نقصان نپذیرد، و بخشش بسیارش جز جود

وَكَرَمًا؛ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ،

و کرم بر او نیفزاید، همانا او عزیز و بسیار بخشنده است، خدایا اندک از بسیار از تو درخواست می کنم،

مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ، وَعِغْنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ، وَهُوَ عِنْدِي

با نیاز شدیدی که مرا به آن است، و بی نیازی تو از آن دیرینه است، و آن اندک نزد

كَثِيرٍ، وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَن ذَنْبِي،

من بسیار است، و برای تو هموار و آسان. خدایا بخششت از گناهم،

وَتَجَاوُزَكَ عَن خَطِيئَتِي، وَصَفْحَكَ عَن ظُلْمِي، وَسِتْرَكَ عَلَيَّ

و گذشتت از خطایم، و چشم پوشی ات از تجاوزم، و پرده افکنی ات

(عَنْ) قَبِيحِ عَمَلِي، وَحِلْمِكَ عَن كَثِيرٍ (كَبِيرٍ) جُرْمِي عِنْدَ مَا كَانَ

بر کردار زشتم، و بردباری ات از فراوانی جرمم و از آنچه که از خطا

مِنْ خَطْئِي وَعَمْدِي، أَطْمَعَنِي فِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ

و گناه عمدی ام بود مرا به طمع انداخت، که از درگاهت چیزی را که شایسته آن از سوی تو نیستم درخواست کنم،

مِنْكَ، الَّذِي رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَآرَيْتَنِي مِنْ قُدْرَتِكَ،

آنچه که از رحمتت نصیب نمودی و از قدرتت نشانم دادی،

وَعَرَّفْتَنِي مِنْ إِجَابَتِكَ، فَصِرْتُ أَدْعُوكَ آمِنًا، وَأَسْأَلَكَ

و از اجابتت به من شناساندی، پس بر آن شدم که با اطمینان بخوانمت،

مُسْتَأْنِسًا لَا خَائِفًا وَلَا وَجَلًا، مُدِلًّا عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ

و با انس و میل بدون ترس و هراس از تو درخواست می کنم، و در آنچه به خاطر آن قصد پیشگاه تو نمودم

إِلَيْكَ، فَإِنَّ أَبْطَأَ عَنِّي عَتَبْتُ بِجَهْلِ عَلَيْكَ، وَلَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي

از تو ناز جویم، اگر برآورده شدن حاجتم تأخیر افتاد، از روی نادانی بر تو عتاب ورزیدم، با آنکه شاید به تأخیر افتادن

هُوَ خَيْرٌ لِي، لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ؛ فَلَمْ أَرِ مَوْلِي (مُؤَمَّلًا) كَرِيمًا أَصْبَرَ

روا شدن حاجتم برایم بهتر باشد، چه تو به سرانجام امور آگاهی، پس هیچ مولای کریمی را بر

دُعای افتتاح

عَلَى عَبْدٍ لَيْسَ مِنْكَ عَلَيَّ . يَا رَبِّ إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأُوَلِّي عَنكَ ،

بنده بستی، شکبیاتر از / تو بر خود ندیدم، ای پروردگار من، تو مرا می‌خوانی، و من از تو روی می‌گردانم،

وَتَتَحَبَّبُ إِلَيَّ فَاتَّبِعْهُ إِلَيْكَ، وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ، كَأَنَّ لِي

و با من دوستی می‌ورزی و من با تو دشمنی می‌کنم، به من محبت می‌نمایی و از تو نمی‌پذیرم، گویا

التَّطَوُّلُ عَلَيْكَ، فَلَمْ يَمْنَعْكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي، وَالْإِحْسَانِ

مرا بر تو منت است، و با همه اینها چیزی تو را باز نمی‌دارد از رحمت و احسان

إِلَيَّ، وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْمَجَاهِلَ،

بر من، و تفضل بر من، به جود و کرمت بر این بنده، بر بنده نادان رحم کن،

وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ؛ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ . الْحَمْدُ لِلَّهِ

و با فزونی و احسانت بر او جود آور، زیرا تو بخشنده کریمی، سپاس خدای

مَالِكِ الْمَلِكِ، مُجْرِي الْفَلَكَ، مُسَخِّرِ الرِّيَّاحِ، فَالِقِ الْإِصْبَاحِ،

را خدای مالک سلطنت، روان‌کننده کشتی، تسخیرکننده بادها، شکافنده سپیده،

دَيَّانِ الدِّينِ، رَبِّ الْعَالَمِينَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ،

حکمرمای روز جزا، پروردگار جهانیان. سپاس خدای را بر بردباری اش پس از دانشش به نافرمانی بنده،

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى طَوْلِ أَنَاتِهِ

و سپاس خدای را بر عفو او پس از قدرتش بر عقاب، و سپاس خدای را بر طول بردباری اش

فِي غَضَبِهِ، وَهُوَ الْقَادِرُ عَلَى مَا يُرِيدُ. الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ

در وقت خشم، و حال آنکه او بر آنچه خواهد تواناست. سپاس خدای را که آفریننده

الْخَلْقِ، بَاسِطِ الرِّزْقِ، فَالِقِ الْإِصْبَاحِ، ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

آفریدگان گسترده روزی، شکافنده سپیده، دارای عظمت و بزرگواری

وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ، الَّذِي بَعْدَ فَلَا يُرَى، وَقَرَّبَ فَشْهَدَ

و احسان و نعمت‌بخشی است خدایی که از دیدگان دور است پس دیده نمی‌شود، و به جانها نزدیک است پس شاهد

النَّجْوَى، تَبَارَكَ وَتَعَالَى. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُنَازَعٌ

گفتگوهای پنهان است، فرخنده و برتر است. سپاس خدای را که ستیزه‌جویی ندارد تا با او برابری

يُعَادِلُهُ، وَلَا شَبِيهَ يُشَاكِلُهُ، وَلَا ظَهِيرَ يُعَايِضُهُ، قَهَرَ بِعِزَّتِهِ

نماید، و شبیهی ندارد که هم شکل او باشد، و پشتیبانی ندارد که او را یاری کند، با عزتش

دُعای افتتاح

الْأَعْرَاءَ ، وَتَوَاضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُظْمَاءُ ، فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ .

همه عزیزان را مقهور ساخته، و در برابر عظمتش بزرگان فروتن گشته‌اند، پس با قدرتش به هر چه خواهد رسد،

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُجِيبُنِي حِينَ أُنَادِيهِ ، وَيَسْتُرُّ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ

سپاس خدای را که اجابت می‌کند آنگاه که صدایش می‌زنم، و هر زشتی را بر من می‌پوشاند

وَأَنَا أَعْصِيهِ ، وَيُعْظِمُ النِّعْمَةَ عَلَيَّ فَلَا أُجَازِيهِ ؛ فَكَمْ مِنْ مَوْهَبَةٍ

و من از او نافرمانی می‌کنم، و او نعمتش را بر من بزرگ می‌گرداند، پس من او را شکر نمی‌کنم،

هَنِيئَةٌ قَدْ أَعْطَانِي ، وَعَظِيمَةٌ مَخُوفَةٌ قَدْ كَفَانِي ، وَبِهَجَةٍ

چه بسیار موهبت‌های گوارایی که به من عطا فرمود، و حوادث وحشتناکی که مرا از آسیب آنها کفایت نمود، و چه بسیار

مَوْئِقَةٍ قَدْ أَرَانِي ، فَأُثْنِي عَلَيْهِ حَامِدًا ، وَأَذْكُرُهُ مُسَبِّحًا . الْحَمْدُ

خرمی دلنشینی که به من نمایاند، او را سپاس گویمان ستایش می‌کنم، و تسبیح گویمان یادش می‌کنم، سپاس

لِلَّهِ الَّذِي لَا يَهْتَكُ حِجَابَهُ ، وَلَا يُغْلَقُ بَابَهُ ، وَلَا يُرَدُّ سَائِلُهُ ،

خدای را که پرده‌اش دریده نگردد، و در رحمتش بسته نشود، و پرسنده‌اش ردّ نگردد،

وَلَا يُخَيِّبُ (لَا يُخَيِّبُ) أَمَلُهُ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ ، وَيُنَجِّي

و آرزومندش و آرزومندش. امید نشود. سپاس خدای را که هراسندگان را ایمنی بخشد،

(يُنَجِّي) الصَّالِحِينَ (الصَّادِقِينَ) ، وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ ، وَيَضَعُ

و شایستگان و شایستگان را نجات دهد، و ناتوان شمردگان را به رفعت رساند،

الْمُسْتَكْبِرِينَ ، وَيَهْلِكُ مُلُوكًا ، وَيَسْتَخْلِفُ آخِرِينَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

و متکبران را به خاک اندازد و پادشاهانی را نابود نماید، و دیگران را جانشین آنان سازد، سپاس خدای

قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ ، مُبِيرِ الظَّالِمِينَ ، مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ ، نَكَالِ

را که درهم شکننده گردنکشان، نابودکننده ستمکاران، دریا بنده گریختگان، کیفردهنده

الظَّالِمِينَ ، صَرِيحِ الْمُسْتَصْرِخِينَ ، مَوْضِعِ حَاجَاتِ الطَّالِبِينَ ،

ستمگران، فریادرس دادجویان، حاجت‌بخش خواهندگان،

مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ خَشِيَّتِهِ تَرَعَدُ السَّمَاؤُ

تکیه‌گاه مؤمنان است. سپاس خدای را که از خشیتش آسمان

و سَكَّانُهَا ، وَتَرَجُّفُ الْأَرْضُ وَعُمَّارُهَا ، وَتَمَوْجُ الْبِحَارِ وَمَنْ

و ساکنانش غرّش کنند، و زمین و آباد کنندگانش بلرزند، و دریاها

دُعای افتتاح

يَسْبِحُ (يُسَبِّحُ) فِي غَمْرَاتِهَا . ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا ،

و هر که در اعماقش شناور است موج زند. سپاس خدای را که ما را به شناخت خویش هدایت

وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَخْلُقُ

فرمود و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود هرگز هدایت نمی شدیم سپاس خدای را که می آفریند

وَلَمْ يَخْلُقْ ، وَيَرْزُقُ وَلَا يُرْزَقُ ، وَيُطْعَمُ وَلَا يُطْعَمُ ، وَيُمِيتُ

و خود آفریده نشده، و روزی می دهد، و خود روزی داده نمی شود و می خوراند و خود خورانده نمی شود و زندهها

الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ ؛ بِيَدِهِ الْخَيْرُ ؛

را می میراند، و مردگان را زنده می کند، و اوست زنده ای که هرگز نمی میرد، خیر تنها به دست اوست،

وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

و او بر هر چیز تواناست. خدایا درود فرست بر محمد بنده

وَرَسُولِكَ، وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ، وَحَبِيبِكَ وَخَيْرَتِكَ (خَلِيكَ)

و فرستاده ات و امین و یار صمیمی و محبوب، و برگزیده ات

مِنْ خَلْقِكَ ، وَحَافِظِ سِرِّكَ ، وَمُبَلِّغِ رِسَالَاتِكَ ، أَفْضَلَ

و حافظ و راز و رساننده پیامهایت، درودی برترین

وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ، وَأَكْمَلَ وَأَزْكَى وَأَمْنَى، وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنَى،

و بهترین و زیباترین و کامل ترین و پاکیزه ترین و پر نامترین و دلپسندترین و پاک ترین

وَأَكْثَرَ (أَكْبَرَ) مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ، وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ، وَسَلَّمْتَ

و بلندترین و بیشترین درودی که فرستادی و برکت دادی و ترحم نمودی و مهر ورزیدی، و سلام دادی

عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ (خَلْقِكَ) وَأَنْبِيَائِكَ، وَرُسُلِكَ وَصِفْوَتِكَ،

بر یکی از بندگان و پیامبران و رسولان و برگزیدگان

وَأَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى عَلِيٍّ

و اهل کرامت از خلقت. خدایا درود فرست بر علی

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ

امیرمؤمنان، و جانشین فرستاده پروردگار جهانیان، بنده و ولیت

وَأَخِي رَسُولِكَ ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ ، وَأَيَّتِكَ الْكُبْرَى ،

و برادر رسولت، و حجتت بر بندگان، و نشانه بزرگ تری،

دُعای افتتاح

وَالنَّبِيَّ الْعَظِيمَ ، وَصَلِّ عَلَى الصِّدِيقَةِ الطَّاهِرَةِ ، فَاطِمَةَ

و خیر عظیم، و درود فرست بر صدیقه طاهره فاطمه

[الزَّهْرَاءِ] سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، وَصَلِّ عَلَى سِبْطِي الرَّحْمَةِ

زهرا سرور زنان جهانیان، و درود فرست بر دو فرزندزاده پیامبر رحمت،

وَأَمَامِي الْهُدَى ، الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ ، سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ،

و دو پیشوای هدایت، حسن و حسین، دو سرور جوانان اهل بهشت،

وَصَلِّ عَلَى أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ ، عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ،

و درود فرست بر امامان مسلمانان، علی بن الحسین و محمد بن علی،

وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى ،

و جعفر بن محمد، و موسی بن جعفر و علی بن موسی

وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ، وَالْحَسَنَ بْنِ عَلِيٍّ ، وَالْخَلْفِ

و محمد بن علی و علی بن محمد، و حسن بن علی، و یادگار شایسته

الْهَادِي الْمُهْدِيَّ ، حُجَّجَكَ عَلَى عِبَادِكَ ، وَأَمْنَائِكَ فِي بِلَادِكَ ،

هدایتگر حضرت مهدی، حجتهای تو بر بندگان، و امینهای تو در سرزمینهایت،

صَلَاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً . اَللّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ ، الْقَائِمِ

درودی بسیار و همیشگی. خدایا درود فرست بر ولی امرت، آن قائم

الْمُؤَمَّلِ ، وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ ، وَحُفَّهُ (وَاحْفُفْهُ) بِمَلَائِكَتِكَ

آرزو شده، و دادگستر مورد انتظار، و او را در حمایت فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ ، وَأَيِّدُهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ ؛ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ . اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ

مقربتر قرار ده، و به روح القدس تأییدش کن ای پروردگار جهانیان. خدایا او را

الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ ، وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ ، اسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ ، كَمَا

دعوت کننده به کتابت، و قیام کننده به آئینت قرار ده، او را جانشین خود روی زمین گردان،

اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ ، مَكِّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ

چنان که پاکان پیش از او را جانشین خویش قرار دادی، دینی را که برایش پسندیده‌ای

لَهُ ، أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا ، يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا .

به دست او یابرجا بدار، و ترسش را به امنیت بازگردان، تا با اخلاص کامل تو را بپرستد.

دعای افتتاح

اللَّهُمَّ اعِزَّنِي وَأَعِزَّنِي وَأَعِزَّنِي بِهٖ ، وَأَنْصُرُهُ وَأَنْصُرُهُ بِهٖ ، وَأَنْصُرُهُ

خدایا عزیزش بدار، و به دیگران توسط او عزت بده و باری اش کن، و به دیگران از سوی او باری ده

نَصْرًا عَزِيزًا ، وَافْتَحْ لِي فَتْحًا يَسِيرًا ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ

یاری اش ده یاری پیروزمندانه و بر پیروزش با پیروزی آسان، و از پیش خود برای او

سُلْطَانًا نَصِيرًا. اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِي دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ ، حَتَّى

سلطنتی پیروزی آفرین قرار ده. خدایا به وسیله او دینت و روش پیامبرت را آشکار کن، تا

لَا يَسْتَخْفِي بَشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ. اللَّهُمَّ إِنَّا

چیزی از حق، از ترس احدی از مردم پنهان نماند. خدایا به سوی تو

نَزَعْبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ ، تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ ، وَتُذِلُّ بِهَا

مشتاقیم برای یافتن دولت کریمه‌ای که اسلام و اهلس را به آن عزیز گردانی،

النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ ، وَالْقَادَةِ إِلَى

و نفاق و اهلس را به وسیله آن خوار سازی، و ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به سوی طاعتت، و رهبران به سوی

سَبِيلِكَ ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ مَا عَرَّفْتَنَا

راहत قرار دهی، و کرامت دنیا و آخرت را از برکت آن روزیمان فرمایی. خدایا آنچه

مِنَ الْحَقِّ فَحَمَلْنَاهُ ، وَمَا قَصْرْنَا عَنْهُ فَبَلِّغْنَاهُ. اللَّهُمَّ الْمُمُّ بِهٖ

از حق به ما شناساندی تاب تحملش را نیز عنایت کن، و آنچه را در رسیدن به آن کوتاهی کردیم، ما را به آن برسان، خدایا

شَعْنَنَا ، وَاشْعَبْ بِهٖ صَدْعَنَا ، وَارْتُقْ بِهٖ فَتَقْنَا ، وَكَثِّرْ بِهٖ قَلْتَنَا ،

پریشانی ما را به باری او جمع کن، و پراکندگی ما را به او وحدت بخش، و گسیختگی ما را با او پیوند ده، و اندک ما را به او

وَاعِزِّزْ بِهٖ ذِلَّتَنَا ، وَاعِزِّزْ بِهٖ عَائِلَتَنَا ، وَاقْضِ بِهٖ عَن مَغْرَمِنَا ،

زیاد فرما، و ذلت ما را به او عزت ده و تنگدستی ما را به او توانگری بخش، و بدهی ما را از برکت او ادا کن، و فقر ما را به مدد

وَاجْبُرْ بِهٖ فَقْرَنَا ، وَسُدِّ بِهٖ خَلَّتَنَا ، وَيَسِّرْ بِهٖ عُسْرَنَا ، وَبَيِّضْ بِهٖ

او جبران فرما، و جدایی و دودستگی ما را به او برطرف کن، و دشواری کار ما را به او آسان گردان، و روی ما را به دیدار او

وَجُوهَنَا ، وَفُكِّ بِهٖ أَسْرَنَا ، وَانْجِحْ بِهٖ طَلِبَتَنَا ، وَانْجِزْ بِهٖ

سپید کن، و اسیران ما را به باری او آزاد گردان، و درخواستهای ما را به لطف او برآور، و وعده‌های ما را به

مَوَاعِيدَنَا ، وَاسْتَجِبْ بِهٖ دَعْوَتَنَا ، وَاعْطِنَا بِهٖ سُؤْلَنَا ، وَبَلِّغْنَا بِهٖ

ظهور او تحقق بخش و دعایمان را به کمک او اجابت کن، و خواسته‌هایمان را به حق او عطا فرما، و ما را به باری او

اعمال شبهای ماه مبارک رمضان

مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ آمَالَنَا ، وَأَعْطَنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا ؛ يَا خَيْرَ

به آرزوهای دنیا و آخرت ما برسان، و لطف به او بالاتر از آرزویمان به ما اعطا کن، ای بهترین

المَسْئُولِينَ وَأَوْسَعَ الْمُعْطِينَ ، اِسْفِ بِهِ صُدُورَنَا ، وَأَذْهَبِ بِهِ

خواستهای ما را، و گشاده دست ترین بخشندگان، سینه های ما را به او شفا بخش، و

غَيْظَ قُلُوبِنَا ، وَاهْدِنَا بِهِ لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ ؛ إِنَّكَ

کینه دلهایمان را به او برطرف کن، و ما را به مدد او به حقیقت آنچه که در آن اختلاف افتاده از حق به اذن خود

تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ؛ وَانصُرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ

راهنمایی فرما، همانا تو هر که را بخواهی به راه راست هدایت می کنی، و به وسیله او ما را بر دشمنان خود

وَعَدُونَا ؛ إِلَهَ الْحَقِّ (الْخَلْقِ) . آمِينَ . اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ

و دشمنان خویش یاری ده، ای معبود حق آمین. خدایا از نبود

نَبِيِّنَا ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَغَيْبَةَ وِلِيِّنَا (إِمَامِنَا) ، وَكَثْرَةَ

پیامبران که دروهای تو بر او و خاندانش و از ناپیدایی مولایمان، و بسیاری

عَدُونَنَا ، وَقَلَّةَ عَدَدِنَا ، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا ، وَتَظَاهُرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا ،

دشمنانمان و کمی نفراتمان، و سختی فتنه ها به سویمان، و از جریان زمان بر زیانمان به درگاه تو شکوه می آوریم،

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ (وَآلِ مُحَمَّدٍ) ، وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحِ

بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را در برابر این همه یاری فرما به گشایشی

مِنْكَ تُعَجِّلُهُ ، وَبِضُرِّ تَكْشِفُهُ ، وَنَصْرِ تُعْزِمُهُ ، وَسُلْطَانِ حَقِّ

از جانب خویش که زود برسانی، و بدحالی که برطرف کنی، و پیروزی با عزت برایمان قرار دهی، و سلطنت حقی

تُظْهِرُهُ ، وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا ، وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبَسُنَاهَا ؛

که آشکارش فرمایی، و به رحمتی که از سویت ما را فرا گیرد، و به سلامتی کاملی که از جانب ما را ببوشاند،

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . دوازدهم: در هر شب این دعا را

ای مهربان ترین مهربانان.

بخواند: اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَادْخُلْنَا ، وَ فِي عِلِّيِّينَ

خدایا ما را در زمره شایستگان وارد کن، و در بهشت برین

فَارْفَعْنَا ، وَبِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلَسَبِيلٍ فَاسْقِنَا ،

بالا بر، و جامی از نوشیدنی خوشگوار از چشمه سلسبیل به ما بنوشان،

اعمال شبهای مه‌بارک رمضان

وَمِنَ الْحَوْرِ الْعَيْنِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا ، وَ مِنْ الْوِلْدَانِ

و به رحمتت از حور العین به همسری ما در آور، و از جاوید پسرانی

الْمُخْلِدينَ كَانْتَهُمْ لَوْ لَوْ مَكْنُونٌ فَأَخْدِمْنَا ، وَمِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ

که همچون مروارید در صدقند، در خدمت ما بگمار، و از میوه‌های بهشت،

وَلَحُومِ الطَّيْرِ فَاطْعِمْنَا ، وَ مِنْ ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِيرِ

و گوشت پرندگان به ما بخوران، و از لباسهای زربفت و حریر

وَالِاسْتَبْرَقِ فَالْبِسْنَا ، وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ ، وَقَتْلًا

و دیبا به ما بپوشان، و ما را برای رسیدن به شب قدر، و زیارت خانه کعبه، و کشته شدن

فِي سَبِيلِكَ فَوْقَ لَنَا ، وَ صَالِحِ الدُّعَاءِ وَ الْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا ،

در راهت توفیق عنایت کن، و دعای شایسته

وَ إِذَا جَمَعَتِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَارْحَمْنَا ،

و درخواست ما را اجابت فرما، و آنگاه که پیشینیان و پسینیان را

وَ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ فَأَكْتُبْ لَنَا ، وَ فِي جَهَنَّمَ فَلَا تَعْلَنَّا ،

در روز قیامت جمع کردی به ما رحم کن، و رهایی از آتش را برای ما بنویس، و در دوزخ

وَ فِي عَذَابِكَ وَ هَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِنَا ، وَ مِنْ الرِّزْقِ

ما را به زنجیر نبند، و در عذاب و خواریات ما را گرفتار مساز، و از رزق

وَالضَّرِيعِ فَلَا تُطْعِمْنَا ، وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فَلَا تَجْعَلْنَا ، وَ فِي النَّارِ عَلَيَّ

و ضریع دوزخ به ما مخوران، و با شیاطین یکجا قرارمان مده، و ما را به رو در آتش مینداز،

وُجُوهِنَا فَلَا تَكْبُنَا (تَكْبُنَا) ، وَ مِنْ ثِيَابِ النَّارِ وَسَرَابِيلِ

و از جامه‌های آتشین و پیراهنهای فلزی آتش‌بار بر ما

الْقَطْرَانِ فَلَا تُلْبِسْنَا ، وَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا لَإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ ، بِحَقِّ

میوشان، و از هر گونه بدی، ای که معبودی جز تو نیست، بحق اینکه

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَنَجِّنَا .

معبودی جز تو نیست ما را رهایی بخش.

سیزدهم: از امام صادق عليه السلام روایت شده: در هر شب ماه

اعمال شبهای ماه مبارک رمضان

رمضان بخوان: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ،**

خدا یا از تو درخواست می‌کنم، در آنچه حکم می‌کنی و مقدر می‌فرمایی،

مِنَ الْأَمْرِ الْمُحْتَمِ فِي الْأَمْرِ الْحَكِيمِ، مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ

از امر حتمی در کار حکیمانه، از فرمانی که برگشت ناپذیرد،

وَلَا يُبَدَّلُ، أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، الْمَبْرُورِ

و تغییر پیدانمی‌کند و بدیهایشان محو گشته، و در آنچه حکم می‌کنی، چنین قرار دهی که مرا در شمار زائران خانهات ثبت کنی، زائرانی

حَجُّهُمْ، الْمَشْكُورِ سَعِيهِمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ، الْمَكْفَرِ عَنِ

که حجتشان پذیرفته شده و تلاششان قبول شده، و گناهانشان به آمرزش رسیده،

سَيِّئَاتِهِمْ، وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ، أَنْ تُطِيلَ عُمُرِي فِي

و بدیهایشان محو گشته، و در آنچه حکم می‌کنی، و مقدر می‌فرمایی قرار دهی، که عمر مرا در

خَيْرٍ وَ عَافِيَةٍ، وَ تَوْسِيعٍ فِي رِزْقِي، وَ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ

خیر و سلامت کامل طولانی کنی، و در روزی‌ام وسعت دهی، و مرا از آنانی قرار دهی که به وسیله آنان

لِدِينِكَ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي.

دینت را یاری می‌کنی، و دیگری را به جای من قرار ندهی.

چهاردهم: در کتاب «انيس الصالحين» آمده است که در

هر شب از شبهای ماه رمضان بخواند: **أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ**

به عظمت ذات

الْكَرِيمِ، أَنْ يَنْقِضِيَ عَنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ، أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ

کریمانهات پناه می‌آورم، از اینکه ماه رمضان از من بگذرد، یا سپیده این

لَيْلَتِي هَذِهِ، وَ لَكَ قَبْلِي تَبَعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ.

شب بدمد، و هنوز نزد من حقی برای تو یا گناهی مانده باشد، که بر آن عذابم کنی.

پانزدهم: شیخ کفعمی در حاشیه «بلد الامین» از سید ابن باقی

روایت کرده که مستحب است در هر شب ماه رمضان دو

اعمال شبهای ماه مبارک رمضان

رکعت نماز خوانده شود، در هر رکعت سوره «حمد» یک مرتبه و سوره «توحید» سه مرتبه و چون سلام داده شد بگوید:

سُبْحَانَ مَنْ هُوَ حَفِيظٌ لَا يَغْفُلُ ؛ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ رَحِيمٌ

منزه است آن که نگهبان است و غفلت نمی کند، منزه است آن که مهربان است

لَا يَعْجَلُ ؛ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو ؛ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ

و شتاب نمی ورزد، منزه است آن که برپا است و از یاد نمی برد، منزه است آن که همیشگی است

لَا يَلْهُو .

و سرگرم نمی شود.

سپس تسبیحات اربعه [یعنی: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا

اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ] را هفت مرتبه بگوید، آنگاه بخواند:

سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ ؛ يَا عَظِيمُ ، اغْفِرْ لِي الذَّنْبَ

منزهی تو، منزهی تو، منزهی تو، ای بزرگ، گناه بزرگ مرا ببامرز:

العَظِيمِ . سپس بر پیامبر و آل او عليهم السلام ده مرتبه صلوات

فرستد. کسی که این دو رکعت نماز را بجا آورد، حق تعالی

برای او هفتاد هزار گناه را ببامرزد... تا آخر خبر.

شانزدهم: روایت شده که هر که در هر شب از ماه رمضان

سوره «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا» را در نماز نافله بخواند، در آن

سال از آسیب محفوظ می ماند.

اعمال شبهای ماه مبارک رمضان

آگاه باش از اعمالی که مستحب است در شبهای ماه رمضان بجا آورده شود، هزار رکعت نماز در مجموع این ماه است، که استادان و بزرگان علما در کتابهای خود، که در زمینه فقه یا عبادات نوشته‌اند به آن اشاره کرده‌اند. احادیث در باب کیفیت بجا آوردن آن مختلف است، آنچه موافق روایت ابن ابی قره از امام جواد علیه السلام است، و شیخ مفید در کتاب «غریبه و اشراف»، آن را اختیار کرده، بلکه مورد اختیار مشهور از علماست، آن است که در دهه اول و دوم ماه رمضان، در هر شب بیست رکعت خوانده شود، هر دو رکعت به یک سلام، به این صورت که، هشت رکعت آن را پس از نماز مغرب، و دوازده رکعت دیگر را بعد از نماز عشا بخواند، و در دهه آخر ماه در هر شب سی رکعت بخواند، هشت رکعت آن را پس از نماز مغرب و بیست و دو رکعت دیگر را بعد از نماز عشا بخواند، که مجموع این نمازها هفتصد رکعت می‌شود، و باقی آن را که سیصد رکعت است در شبهای قدر بخواند، شب نوزدهم صد رکعت، و شب بیست و یکم صد رکعت، و در شب بیست و سوم نیز صد رکعت که در جمع هزار رکعت می‌شود. این هزار رکعت به ترتیب دیگری هم وارد شده است که تفصیلش

اعمال و دعای سحری ماه مبارک رمضان

در جای دیگر آمده ، و این مقام گنجایش شرح آن را ندارد، و امید است که اهل خیر در اجرای این هزار رکعت مسامحه و سهل انگاری نکنند، و خود را از فیض آن بهره مند کنند.

و نیز روایت شده: که پس از هر دو رکعت از نمازهای مستحبی ماه رمضان بخوان:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ، مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتَمِ، وَفِيمَا تَفْرُقُ

خدایا در آنچه حکم می کنی و مقدر می نمایی از فرمان حتمی ات، و در آنچه بسط می دهی

مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ

از کار حکیمانانه، در شب قدر مقرر فرما که مرا از حاجیان خانه کعبه قرار

الْحَرَامِ، الْمَبْرُورِ حَجَّتِهِمْ، الْمَشْكُورِ سَعْيِهِمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ،

دهی، حاجیانی که حجتشان پذیرفته شده، و تلاششان قبول گشته، و گناهانشان آمرزیده شده است،

وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُطِيلَ عُمُرِي فِي طَاعَتِكَ، وَتُوسِّعَ لِي فِي رِزْقِي؛

و از تو درخواست می کنم که عمرم را در طاعتت طولانی سازی، و روزی ات را بر من گسترده نمایی،

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای مهربان ترین مهربانان.

بخش سوّم: اعمال سحرهای ماه مبارک رمضان و آن چند عمل است: اول: سحری خوردن، و آن را ترک نکند گرچه به خوردن یک خرما یا خشک، یا نوشیدن شربت از آب باشد، و بهترین سحریها سویق یعنی قاووت و خرماست، و در خبر وارد شده: که خدا و فرشتگان صلوات می فرستند

اعمال و دعای سحری ماه مبارک رمضان

بر آنهایی که در سحرها استغفار می کنند، و سحری می خورند. دوّم: هنگام خوردن سحری سوره «اَنَا أَنْزَلْنَاهُ» را بخواند، که هر که این سوره مبارکه را هنگام افطار کردن و سحری خوردن بخواند، در فاصله بین این دو زمان ثواب کسی را دارد که در راه خدا در خون خود غلطیده است. سوّم: دعای عظیم الشّانی را که از حضرت رضا علیه السلام روایت شده بخواند، آن حضرت فرموده است: این دعا دعایی است که امام باقر علیه السلام در سحرهای ماه رمضان می خواندند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاءِهِ، وَكُلِّ بَهَائِكَ بِبَهَائِهِ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي

خدایا از تو درخواست می کنم به حق زیباترین مرتبه از زیباییات، و همه مراتب زیباییات زیباست، خدایا از تو

أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ،

درخواست می کنم به حق همه مراتب زیباییات. خدایا از تو درخواست می کنم به حق نیکوترین مرتبه از جمالت،

وَكُلِّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ. اللَّهُمَّ

و همه مراتب جمال تو نیکوست، خدایا از تو درخواست می کنم به حق همه مراتب جمالت. خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِأَجَلِّهِ، وَكُلِّ جَلَالِكَ جَلِيلٌ؛ اللَّهُمَّ

از تو درخواست می کنم به حق برجسته ترین مرتبه از جلالت، و همه مراتب جلال تو برجسته است خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ

از تو درخواست می کنم به حق همه مراتب جلالت. خدایا از تو درخواست می کنم به حق بالاترین مرتبه از عظمتت،

بِأَعْظَمِهَا، وَكُلِّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٌ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

و همه مراتب عظمتت عظیم است، خدایا از تو درخواست می کنم به حق

بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ، وَكُلِّ

خدایا از تو درخواست می کنم به حق نورانی ترین مرتبه از نورت، و همه

دعای سحرآمیز ماه مبارک رمضان

نورِكَ نَيْرٍ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

مراتب نور تو نورانی است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق همه مراتب نورت. خدایا از تو درخواست می‌کنم

مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهَا، وَكُلِّ رَحْمَتِكَ وَأَسِعَةٍ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي

به حق گسترده‌ترین مرتبه از رحمت، و همه مراتب رحمت گسترده است. خدایا از تو در

أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِأَتَمِّهَا،

خواست می‌کنم به حق همه مراتب رحمت. خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق کامل‌ترین مرتبه از مراتب کلمات،

وَكُلِّ كَلِمَاتِكَ تَامَّةً؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا. اللَّهُمَّ

و همه مراتب کلمات کامل است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق همه مراتب کلمات. خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِأَكْمَلِهِ، وَكُلِّ كَمَالِكَ كَامِلٌ؛ اللَّهُمَّ

از تو درخواست می‌کنم به حق کامل‌ترین مرتبه از کمالت و همه مراتب کمالت کامل است، خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ كُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ

از تو درخواست می‌کنم به حق همه مراتب کمالت. خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق بزرگ‌ترین مرتبه از نامهایت،

بِأَكْبَرِهَا، وَكُلِّ أَسْمَائِكَ كَبِيرَةً؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ

و همه مراتب و نامهایت بزرگ است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق همه مراتب

كُلِّهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِأَعَزِّهَا، وَكُلِّ عِزَّتِكَ

نامهایت. خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق عزیزترین مرتبه از عزت و همه مراتب عزت

عَزِيزَةً؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

عزیز است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق همه مراتب عزت. خدایا از تو درخواست می‌کنم به

مَشِيَّتِكَ بِأَمْضَاهَا، وَكُلِّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةً؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

حق نافذترین مرتبه اراده‌ات و همه مراتب اراده‌ات نافذ است خدایا از تو درخواست می‌کنم

بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ، بِالْقُدْرَةِ الَّتِي

به حق همه مراتب اراده‌ات. خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق قدرتت که

اسْتَطَلَّتْ بِهَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَكُلِّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةً؛ اللَّهُمَّ

بر همه موجودات احاطه دارد و همه قدرتت بر تمام موجودات احاطه دارد خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ

از تو درخواست می‌کنم به حق همه مراتب قدرتت. خدایا از تو

درخواست می‌کنم به حق

دعای سحرآمیز ماه مبارک رمضان

بَانَفَذِهِ ، وَكُلُّ عِلْمِكَ نَافِذٌ ؛ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ كَلِّهِ .

نافذترین مرتبه از مراتب علمت و همه مراتب علمت نافذ است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق همه مراتب علمت.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِارِضَاهُ ، وَكُلُّ قَوْلِكَ رِضْوَانٌ ؛

خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق پسندیده‌ترین مرتبه از گفتارت، و همه مراتب گفتار تو پسندیده است

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كَلِّهِ . اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ

خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق همه مراتب گفتارت. خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق

بِاحْتِبَابِ اِلَيْكَ ، وَكُلُّ مَسْأَلَةٍ اِلَيْكَ حَبِيبَةٌ ؛ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ

محبوبترین مرتبه از خواسته‌هایت نزد تو، و همه مراتب خواسته‌هایت محبوب است خدایا از تو درخواست می‌کنم

بِمَسَائِلِكَ كَلِّهَا . اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِاشْرَفِهِ ، وَكُلُّ

به حق همه مراتب خواسته‌هایت. خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق شریف‌ترین مرتبه از شرفت، و همه

شَرَفِكَ شَرِيفٌ ؛ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كَلِّهِ . اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

مراتب شرف تو شریف است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق همه مراتب شرفت. خدایا از تو درخواست می‌کنم

اَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِادْوَمِهِ ، وَكُلُّ سُلْطَانِكَ دَائِمٌ ؛ اَللّٰهُمَّ

به حق پایدارترین مرتبه از سلطنتت و همه مراتب سلطنت تو پایدار است، خدایا

اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كَلِّهِ . اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ

از تو درخواست می‌کنم به حق همه مراتب سلطنتت. خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق بافتخارترین مرتبه از

بِافْخَرِهِ ، وَكُلُّ مُلْكِكَ فَاخِرٌ ؛ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِمُلْكِكَ كَلِّهِ .

فرمانرواییات و همه مراتب فرمانرواییات بافتخار است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق همه مراتب فرمانرواییات.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ عُلُوِّكَ بِاعْلَاهُ ، وَكُلُّ عُلُوِّكَ عَالٍ ؛ اَللّٰهُمَّ

خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق برترین مرتبه از برتریات و همه مراتب برتریات برتر است، خدایا

اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِعُلُوِّكَ كَلِّهِ . اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِاَقْدَمِهِ ،

از تو درخواست می‌کنم به حق همه مراتب برتریات. خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق دیرینه‌ترین مرتبه از کرمیت،

وَكُلُّ مَنِّكَ قَدِيمٌ ؛ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ كَلِّهِ . اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

و همه مراتب کرمیت دیرینه است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق همه مراتب کرمیت. خدایا از تو

اَسْأَلُكَ مِنْ آيَاتِكَ بِاَكْرَمِهَا ، وَكُلُّ آيَاتِكَ كَرِيْمَةٌ ؛ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

درخواست می‌کنم به حق گرامی‌ترین مرتبه از نشانه‌هایت، و همه مراتب نشانه‌هایت گرامی است. خدایا

دُعایِ جوَسنه ثمالی

أَسْأَلُكَ بِآيَاتِكَ كُلِّهَا . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا أَنْتَ فِيهِ مِنَ الشَّانِ

از تو درخواست می‌کنم به حق همه مراتب نشانه‌هایت. خدا یا از تو درخواست می‌کنم به حق آنچه از جاه

وَالْجَبْرُوتِ ، وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَحَدِهِ وَجَبْرُوتٍ وَحَدِهَا .

و جبروت که در آنی، و از تو می‌خواهم به حق هر جاه به تنهایی و به حق هر جبروت به تنهایی، خدا یا از تو

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي [بِهِ] حِينَ أَسْأَلُكَ ، فَأَجِبْنِي يَا اللَّهُ .

درخواست می‌کنم به حق آنچه اجابت می‌کنی مرا به آن هنگامی که از تو درخواست می‌کنم پس مرا اجابت کن ای خدا.

آنگاه هر حاجت که داری از خدا بخواه، که به یقین بر آورده خواهد شد.

چهارم: در کتاب «مصباح» شیخ طوسی به نقل از ابو حمزه ثمالی آمده است که حضرت امام زین العابدین عليه السلام در ماه رمضان بیشتر شب را به نماز می‌ایستاد و چون سحر می‌رسید این دعا را می‌خواند:

إِلَهِي لَا تُؤَدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ ، وَلَا تَمَكِّرْ بِي فِي حِيلَتِكَ . مِنْ أَيْنَ لِي

خدا یا مرا به کیفیت ادب منما، و با نقشه‌ای با من نیرنگ مکن، پروردگارا از کجا برایم

الْخَيْرُ؟ يَا رَبِّ ، وَلَا يُوْجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ ؛ وَمِنْ أَيْنَ لِي النِّجَاةُ ؟

خیری هست، درحالی که جز نزد تو یافت نمی‌شود، و از کجا برایم نجاتی است،

وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ ، لَا الَّذِي أَحْسَنَ اسْتَعْفَى عَنْ عَوْنِكَ

درحالی که جز به تو فراهم نمی‌گردد، نه آن که نیکی کرد از کمک

وَرَحْمَتِكَ ، وَلَا الَّذِي أَسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ ، وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ

و رحمت بی‌نیاز شد، و نه آن که بدی کرد و بر تو گستاخی روا داشت، و تو را آخشنود نساخت از عرصه

عَنْ قُدْرَتِكَ ؛ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ - أَنْقِدْ بِنَفْسِ

قدرتت بیرون رفت. پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا...

دُعایِ بوحسره شامی

قَطْعَ غَرْدٍ -- بِكَ عَرَفْتُكَ، وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ، وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ،

تو را به تو شناختم، و تو مرا بر هستی خود راهنمایی فرمودی، و به سوی خود خواندی،

وَلَوْلَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيُجِيبُنِي ،

و اگر راهنمایی تو نبود، من نمیدانستم تو که هستی؟! ، سپاس خدای را که می خوانمش و او جوابم را می دهد،

وَأِنْ كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ يَدْعُونِي ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ

گرچه سستی می کنم گاهی که او مرا می خواند، و سپاس خدای را که از او درخواست می کنم و او به

فَيُعْطِينِي ، وَأِنْ كُنْتُ بَخِيلًا حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

من عطا می نماید، گرچه بخل می ورزم هنگامی که از من قرض بخواهد، و سپاس خدای را که

الَّذِي أُنَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَتِي ، وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ

هرگاه خواهم برای رفع حاجتم صدایش کنم، و هر جا که خواهم برای راز و نیاز با او

لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ ، فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَدْعُو

بی پرده خلوت کنم و او حاجتم را بر آورد، سپاس خدای را که غیر او را نمی خوانم،

غَيْرِهِ ، وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

که اگر غیر او را می خواندم دعایم را مستجاب نمی کرد، و سپاس خدای را

الَّذِي لَا أَرْجُو غَيْرَهُ ، وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي ،

که به غیر او امید نبندم، که اگر جز به او امید می بستم ناامیدم می نمود،

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَّلَنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي ، وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ

و سپاس خدای را که مرا بخویش و گذاشت، از این رو اکرامم نمود، و به مردم

فِيهِنُونِي ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ ، وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي ،

و نگذاشت تا مرا خوار کنند، و سپاس خدای را که با من دوستی ورزید، در حالی که از من بی نیاز است،

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي ، حَتَّى كَأَنِّي لَا ذَنْبَ لِي ، فَرَبِّي أَحْمَدُ

و سپاس خدای را که بر من بردباری می کند تا آنجا که گویی مرا گناهی نیست! پروردگارم ستوده ترین

شَيْءٍ عِنْدِي وَأَحَقُّ بِحَمْدِي . اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ

موجود نزد من بوده و به ستایش من سزاوارتر است. خدایا راههای درخواست حاجت‌هایم را

إِلَيْكَ مُشْرَعَةً ، وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً ، وَالْإِسْتِعَانَةَ

به جانب تو باز می یابم، و آبشخورهای امید را نزد تو پر می بینم، و یاری خواستن

دُعایِ بوسنه شمالی

بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَّلَكَ مُبَاحَةً ، وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ لِلصَّارِحِينَ

از فضل برای آن که تو را آرزو کرد بی مانع می بینم، و درهای دعا را برای فریاد کنندگان

مَفْتُوحَةً ، وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِينَ بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ ، وَلِلْمَلْهُوفِينَ

گشوده می نگرم، و می دانم که تو برای امیدواران در جایگاه اجابتی،

بِمَرَصِدِ إِغَاثَةٍ ، وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ ، وَالرِّضَا

و برای دل سوختگان در کمین گاه فریادرسی، و به یقین در اشتیاق به جودت،

بِقَضَائِكَ عَوْضًا مِنْ مَنَعِ الْبَاخِلِينَ ، وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي

و خشنودی به قضایت جایگزینی از منع بخیلان است، و گشایشی از آنچه در

أَيْدِي الْمُسْتَأَثْرِينَ ، وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ ، وَأَنَّكَ

دست ثروت اندوزان، و همانا مسافر به سوی تو مسافتش نزدیک است، و تو از

لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ ، إِلَّا أَنْ تَحْبِبَهُمُ الْأَعْمَالَ دُونَكَ ، وَقَدْ

آفریدگانت هرگز در پرده نیستی، جز اینکه کردارشان آنان را از تو محبوب نماید، من با

قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَبِئَتِي ، وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي ، وَجَعَلْتُ

درخواستم آهنگ تو کردم، و با حاجتم روی به تو آوردم، نیاز خواهی ام را به پیشگاه

بِكَ اسْتِغَاثَتِي ، وَبِدُعَائِكَ تَوَسَّلْتُ ، مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ

تو قرار دادم، و خواندنت را دست آویز خویش نمودم بی آنکه مستحق شنیدن

لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي ، وَلَا اسْتِجَابٍ لِعَفْوِكَ عَنِّي ، بَلْ لِيُثَقِّ

خواهشم، و شایسته گذشت از من باشی، بلکه برای اطمینان

(وَيُثَقِّ) بِكَرَمِكَ ، وَسُكُونِي إِلَى صِدْقِ وَعْدِكَ ، وَلِحُجِّي إِلَى

به کرمت، و آرامش به درستی وعدهات، و پناه جستن به

الْإِيمَانِ بِتَوْحِيدِكَ ، وَيَقِينِي (وَيُثَقِّ) بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي ، أَنْ لَا رَبَّ

ایمان به یگانگیات و یقین به معرفت که مرا پروردگاری

لِي غَيْرُكَ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ ، لَا شَرِيكَ لَكَ . اللَّهُمَّ أَنْتَ

جز تو نیست، و معبودی جز تو نیست، یگانه و بی شریکی. خدایا تو

الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ ، وَوَعْدُكَ صِدْقٌ : ﴿وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ

گفتی و گفتارت بر حق، و وعدهات درست است [افرمودی:]

دُعایِ بوسنره شمالی

فَضْلِهِ ؛ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿١﴾ . وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا

از فضل خدا بخواهید که خدا به شما مهربان است، ای

سَيِّدِي، أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ ، وَأَنْتَ الْمَنَّانُ

آقای من در شأن تو این نیست که دستور به درخواست دهی و از بخشش خودداری کنی،

بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ ، وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنٍ رَأْفَتِكَ .

تو با عطاهايت بر اهل مملکتت بسيار کریمی، و بر آنان با محبت و رأفت بسيار احسان کننده‌ای.

إِلَهِي رَبِّيْتَنِي فِي نِعْمِكَ وَاحْسَانِكَ صَغِيرًا ، وَتَوَهَّتَ بِاسْمِي

خدایا مرا در کودکی در میان نعمتها و احسانت پروریدی، و در بزرگسالی نامم را بلند

كَبِيرًا ؛ فَيَا مَنْ رَبَّانِي فِي الدُّنْيَا بِاحْسَانِهِ ، وَتَفَضُّلِهِ وَنِعْمِهِ ، وَأَشَارَ

آوازه ساختی، ای آن که مرا در دنیا به احسان و فضل نعمتهایش پرورید و برایم

لِي فِي الْآخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ . مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي (دَلَّتَنِي)

در آخرت به گذشت و کرمش اشاره نمود، ای مولای من معرفتم راهنمایم به سوی

عَلَيْكَ ، وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي إِلَيْكَ ، وَأَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ ،

تو، و عشقم به تو واسطه‌ام به پیشگاه توست، من از دلایلم به دلالت تو مطمئن،

وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى شَفَاعَتِكَ . أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانِ

و از واسطه‌ام به شفاعت تو در آرامشم، ای آقایم تو را به زبانی می‌خوانم

قَدْ أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ ؛ رَبِّ أَنْاجِيكَ بِقَلْبٍ قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ .

که گناهش او را ناگویا نموده، و با دلی با تو مناجات می‌کنم که جرمش او را هلاک ساخته،

أَدْعُوكَ يَا رَبِّ رَاهِبًا رَاغِبًا ، رَاغِبًا خَائِفًا ، إِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ

تو را می‌خوانم ای پروردگارم در حال هراس و اشتیاق و امید و بیم، مولای من

ذُنُوبِي فَرِزَعْتُ ، وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ ، فَإِنْ عَفَوْتَ فَخَيْرٌ

هرگاه گناهانم را می‌بینم بی‌تاب می‌گردم، و هرگاه کرمت را مشاهده می‌کنم، به طمع می‌افتم، پس اگر از من درگذری

رَاحِمٌ ، وَإِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ . حُجَّتِي يَا اللَّهُ فِي جُرَاتِي عَلَى

بهترین رحم کننده‌ای، و اگر عذاب کنی ستم نکرده‌ای، خدایا حجّت من در گستاخی بر

مَسَالَتِكَ ، مَعَ إِيْتَانِي مَا تَكْرَهُهُ ، جُودُكَ وَكَرْمُكَ ، وَعُدَّتِي فِي

درخواست از تو، با ارتکاب آنچه از آن کراهت داری جود و کرم توست، و ذخیره‌ام در

دُعایِ جوُسره ثمالی

شِدَّتِي مَعَ قَلَّةِ حَيَاتِي ، رَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ ، وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ

سختیها با کمی حیا همانا رأفت و رحمت توست، و امیدم بر آن است

لَا تَخِيبَ بَيْنَ ذَيْنِ وَذَيْنِ مُنِيَّتِي ، فَحَقِّقْ رَجَائِي ، وَاسْمَعْ دُعَائِي ؛ يَا

که بین حجت و ذخیره‌ام آرزویم را نومیذ نکنی، پس امیدم را تحقق بخش، و دعایم را بشنو، ای

خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ، وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ . عَظْمَ يَا سَيِّدِي

بهترین کسی که خواننده‌ای او را خوانده، و برترین کسی که امیدواری به او امید بسته، ای آقای من

أَمَلِي وَسَاءَ عَمَلِي ، فَأَعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ أَمَلِي ، وَلَا تُؤَاخِذْنِي

آرزویم بزرگ شده، و کردارم زشت گشته، پس به اندازه آرزویم از عفو تو به من ببخش،

بِأَسْوَأِ عَمَلِي ، فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ ، وَحِلْمَكَ

و به زشت‌ترین کردارم مرا سرزنش مکن، زیرا کرمت برتر از کیفر گناهکاران و بردباریت

يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ ، وَأَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدٌ بِفَضْلِكَ ،

بزرگتر از مکافات تبهکاران است، و من ای آقایم پناهنده به فضل توام،

هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ ، مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ ، عَمَّنْ

گریزان از تو به سوی توام، خواستار تحقق چیزی هستم که وعده کردی، و آن گذشت

أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا ، وَمَا أَنَا يَا رَبِّ وَمَا خَطْرِي ، هَبْنِي بِفَضْلِكَ ،

تو از کسی که گمانش را به تو نیکو کرده، چه هستم من ای پروردگارم، و اهمیت من چیست؟ به فضل تو مرا ببخش،

وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ ؛ أَيُّ رَبِّ ، جَلَلْنِي بِسِتْرِكَ ، وَاعْفُ عَنِّي

و به گذشتت بر من صدقه بخش، پروردگارا مرا به پرده پوشی ات بیوشان، و از

تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ ، فَلَوْ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَيَّ ذَنْبِي غَيْرُكَ

توبیخم به کرم ذاتت درگذر، اگر امروز جز تو بر گناهم آگاه می‌شد،

مَا فَعَلْتُهُ ، وَلَوْ خِفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَأَجْتَنَبْتُهُ ، لَا لِأَنَّكَ

آن را انجام نمی‌دادم، و اگر از زود رسیدن عقوبت می‌ترسیدم، از آن دوری می‌کردم،

أَهْوَنُ النَّاطِرِينَ [إِلَيَّ] ، وَأَخَفُ الْمُطَّلَعِينَ [عَلَيَّ] ، بَلْ لِأَنَّكَ يَا

گناهم نه به این خاطر بود که تو سبک‌ترین بینندگان [عالمی]، و بی‌مقدارترین آگاهان، بلکه

رَبِّ خَيْرِ السَّاتِرِينَ ، وَأَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ ، وَآكْرَمُ الْآكْرَمِينَ ،

پروردگارا از این جهت بود که تو بهترین پرده‌پوش، و حاکم‌ترین حاکمان، و کریم‌ترین کریمانی،

دُعایِ بوسنزه شالی

سَتَّارُ الْعُيُوبِ ، غَفَّارُ الذُّنُوبِ ، عَلَّامُ الْغُيُوبِ ، تَسْتُرُهُ

پوشنده عیبها، آمرزنده گناهان، دانای نهانها، گناه

الذَّنْبِ بِكَرَمِكَ ، وَتُوخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ ؛ فَلَاكَ الْحَمْدُ عَلَى

را با کرمت می پوشانی، و کیفر را با بردباری ات به تأخیر می افکنی، سپاس تو را سزااست

حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ ، وَعَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ ، وَيَحْمِلُنِي

بر بردباری ات پس از آنکه دانستی، و بر گذشتت پس از آنکه توانستی، بردباری ات

وَيُجَرِّئُنِي عَلَى مَعْصِيَتِكَ حِلْمُكَ عَنِّي ، وَيَدْعُونِي إِلَى قِلَّةِ الْحَيَاءِ

مرا به جانب گناه می کشد و بر نافرمانی ات جرأت می دهد، برده پوشی ات بر من مرا

سَتْرَكَ عَلَيَّ ، وَيُسْرِعُنِي إِلَى التَّوْبِ عَلَى مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي ،

به کم حیایی می خواند، و شناختم از رحمت گسترده و بزرگی عفو،

بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَعَظِيمِ عَفْوِكَ . يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ ،

به من در تاختم بر محرمات سرعت می دهد! ای شکیبایا، ای گرامی، ای زنده، ای به خود پاینده،

يَا غَافِرَ الذَّنْبِ يَا قَابِلَ التَّوْبِ ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ .

ای آمرزگار، ای توبه پذیر، ای بزرگ نعمت، ای دیرینه احسان،

أَيْنَ سَتْرِكَ الْجَمِيلُ ؟ أَيْنَ عَفْوِكَ الْجَلِيلُ ؟ أَيْنَ فَرْجُكَ

برده پوشی زیبایت کجاست، گذشت بزرگت کجاست، گشایش

الْقَرِيبُ ؟ أَيْنَ غِيَاثِكَ السَّرِيعُ ؟ أَيْنَ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةُ ؟

نزدیکت کجاست، فریادرسی زودت کجاست، رحمت گسترده ات کجاست،

أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةُ ؟ أَيْنَ مَوَاهِبُكَ الْهَنِيئَةُ ؟ أَيْنَ

عطاهای برترت کجاست، موهبتهای گوارایت کجاست، جایزه های

صَنَائِعِكَ السَّنِيَّةُ ؟ أَيْنَ فَضْلِكَ الْعَظِيمُ ؟ أَيْنَ مَنِّكَ الْجَسِيمُ ؟

شایانت کجاست، فضل بزرگت کجاست، عطای عظیمت کجاست،

أَيْنَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمُ ؟ أَيْنَ كَرَمِكَ يَا كَرِيمُ ؟ بِهِ (وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ

احسان دیرینه ات کجاست، کرمت کجاست، ای کریم، به حق کرمت و «به محمد و خاندان

مُحَمَّدٍ) فَاسْتَنْقِذْنِي ، وَبِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي . يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمَلُ ،

محمد» مرا رهایی بخش، و به رحمتت مرا خلاص کن، ای نیکوکار، ای زیباکار،

دُعایِ بوسنه شمالی

يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ ، لَسْتُ أَتَكِلُ فِي النَّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَيَّ

ای نعمت‌ده، ای فزونی‌بخش، من آن نیستم که در رهایی از کیفرت بر

أَعْمَالِنَا ، بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا ، لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ؛

اعمالمان تکیه کنم، بلکه به احسانت بر ما اعتماد دارم، چرا که تو اهل تقوا و مغفرتی،

تُبَدِيئُ بِالْإِحْسَانِ نِعْمًا ، وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا ، فَمَا نَدْرِي

از باب نعمت‌دهی ابتدای به احسان می‌کنی، و از جهت کرم از گناه در می‌گذری، پس نمی‌دانم

مَا نَشْكُرُ؟! أَجْمِيلَ مَا تَنْشُرُ؟! أَمْ قَبِيحَ مَا تَسْتُرُ؟! أَمْ عَظِيمَ مَا

از چه سپاس گویم، از زیبایی که می‌گسترانی، یا کار زشتی که می‌پوشانی، یا بزرگ آزمونی

أَبْلَيْتَ وَ أَوْلَيْتَ؟! أَمْ كَثِيرَ مَا مِنْهُ نَجَّيْتَ وَ عَافَيْتَ؟! يَا

که آزمودی و شایسته نیکی نمودی، یا آن همه مشکلی که مرا از آن رهانیدی، و سلامت کامل بخشیدی؟! ای

حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ ، وَيَا قُرَّةَ عَيْنٍ مَنْ لَادِيكَ وَانْقَطَعَ

محبوب آن که به تو دوستی ورزید، ای نور چشم کسی که به تو پناه آورد و برای رسیدن

إِلَيْكَ ؛ أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ الْمُسِيئُونَ ، فَتَجَاوَزْ يَا رَبِّ عَنْ

به تو از دیگران گسست، تو نیکوکاری، ما بدکارانیم،

قَبِيحَ مَا عِنْدَنَا ، بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ ، وَ أَيْ جَهْلٍ يَا رَبِّ

به زیبایی آنچه نزد توست، از زشتی آنچه پیش ماست در گذر، پروردگارا

لَا يَسْعُهُ جُودُكَ؟! أَوْ أَيْ زَمَانٍ أَطَوَّلَ مِنْ أُنَاتِكَ؟! وَمَا قَدْرُ

کدام جهلی است که جود تو گنجایش آن را نداشته باشد، و کدام زمان طولانی‌تر از مهلت دادن توست،

أَعْمَالِنَا فِي جَنبِ نِعْمِكَ؟! وَكَيْفَ نَسْتَكْثِرُ أَعْمَالًا نُقَابِلُ بِهَا

در کنار نعمت‌هایت ارزش اعمال ما چیست، چگونه اعمال خود را بسیار انگاریم، تا با آنها

كَرَمَكَ؟! بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمَذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ

با کرمت برابری کنیم، بلکه چگونه بر گنهکاران تنگ شود آنچه از

رَحْمَتِكَ . يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ ،

رحمتت شاملشان شده؟، ای گسترده‌ام‌رزش، ای گشاده‌دست به رحمت،

فَوَعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي ، لَوْ نَهَرْتَنِي مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ ،

ای آقای من به عزتت سوگند، اگر مرا برانی، از درگاهت دور نخواهم شد،

دُعایِ بوسنره شمالی

وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ ، لِمَا أَنْتَهَى إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ

و از چاپلوسی و تملق نسبت به تو دست نخواهم کشید، به خاطر شناختی که به جود

وَكْرَمِكَ ، وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ ، تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ

و کرمت پیدا کرده‌ام، تو انجام دهی آنچه را که خواهی، هر که را بخواهی عذاب می‌کنی به هر چه که بخواهی

كَيْفَ تَشَاءُ ، وَتَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ ، لَا تُسْأَلُ

و به هر صورتی که بخواهی، و رحم می‌کنی هر که را بخواهی، به هر چه که بخواهی و به هر کیفیت که بخواهی،

عَنْ فِعْلِكَ ، وَلَا تُنَازِعُ فِي مُلْكِكَ ، وَلَا تُشَارِكُ فِي أَمْرِكَ ،

از آنچه کنی باز خواست نشوی، و در فرمانروایی‌ات نزاع در نگیرد، و کسی در کارت شریکت نگردد،

وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ ، وَلَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ ،

و در داوری‌ات با تو هم‌آورد نشود، و در تدبیرت احدی بر تو اعتراض نکند،

لَكَ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ؛ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ . يَا رَبِّ هَذَا مَقَامُ

آفرینش و فرمان تو راست، منزّه است خدا پروردگار جهانیان، پروردگارا این است جایگاه

مَنْ لَا ذَبِكَ ، وَاسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ ، وَالْإِفْ إِحْسَانِكَ وَنِعْمَتِكَ ،

کسی که به پناخت آمد، و به کرمت پناهنده گشت، و به احسان و نعمت‌های

وَأَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ ، وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ ،

الفت جست، تویی آن سخاوتمندی که گذشتت به تنگی نمی‌رسد، و احسانت کاهش نمی‌پذیرد،

وَلَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ ، وَقَدْ تَوَثَّقْنَا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ ،

و رحمتت کم نمی‌شود، و به یقین از چشم‌پوشی دیرینت،

وَالْفَضْلِ الْعَظِيمِ ، وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ ؛ أَفْتَرَاكَ يَا رَبِّ تُخَلِّفُ

و فضل بزرگت، و رحمت گسترده‌ات اعتماد نمودیم، آیا ممکن است پروردگارا برخلاف

ظُنُونَنَا ، أَوْ تُخَيِّبُ آمَالَنَا ؟ كَلَّا يَا كَرِيمٌ ، فَلَيْسَ هَذَا ظَنُّنَا بِكَ ،

گمان‌های ما به خویش رفتار کنی، یا آرزوهایمان را نسبت به رحمتت نومید سازی هرگز ای بزرگوار، چنین گمانی به تو

وَلَا هَذَا فِيكَ طَمَعُنَا . يَا رَبِّ ، إِنَّ لَنَا فِيكَ أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا ؛

نیست، و طمع ما در باره تو این چنین نمی‌باشد، پروردگارا، ما را در باره تو آرزوی طولانی بسیاری است،

إِنَّ لَنَا فِيكَ رَجَاءً عَظِيمًا ؛ عَصَيْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنَا ،

ما را در حق تو امید بزرگی است، از تو نافرمانی کردیم و حال آنکه امیدواریم گناه را بر ما بپوشانی،

دُعایِ جو سزوا

وَدَعَوْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا ، فَحَقِّقْ رَجَاءَنَا مَوْلَانَا ،

و تو را خواندیم، و امیدواریم که بر ما اجابت کنی، مولای ما امیدمان را تحقق بخش،

فَقَدْ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمَالِنَا ، وَلَكِنْ عَلِمُكَ فِينَا ، وَعِلْمُنَا

ما دانستیم که با کردارمان سزاوار چه خواهیم بود، ولی دانش تو درباره ما، و آگاهی ما

بِأَنَّكَ لَا تَصْرِفُنَا عَنْكَ ، وَإِنْ كُنَّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ ،

به اینکه ما را از درگاهت نمیرانی، گرچه ما سزاوار رحمت نیستیم

فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا وَعَلَى الْمُنْذِبِينَ ، بِفَضْلِ سَعَتِكَ ،

ولی تو شایسته آنی که بر ما و بر گناهکاران به فضل گستردهات جود کنی،

فَأَمْنٌ عَلَيْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ ، وَجُدْ عَلَيْنَا فَإِنَّا مُتَحَاجُونَ إِلَى نَيْلِكَ .

پس آنگونه که شایسته آنی بر ما منت گذار، و بر ما جود کن، که ما نیازمند به عطای تویم،

يَا غَفَّارُ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا ، وَبِفَضْلِكَ اسْتَغْنَيْنَا ، وَبِنِعْمَتِكَ

ای آمرزگار، به نور تو هدایت شدیم، و به فضل تو بی نیاز گشتیم، و به نعمت

أَصْبَحْنَا وَأَمْسَيْنَا ، ذُنُوبُنَا بَيْنَ يَدَيْكَ ، نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا ،

بامداد نمودیم و شامگاه کردیم، گناهان ما پیش روی توست، خدایا از گناهانمان از تو آمرزش می خواهیم،

وَنَتُوبُ إِلَيْكَ . تَتَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ ، وَنُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ ،

و به سوی تو باز می گردیم، تو با نعمتها به ما مهر می ورزی و ما با گناهان با تو مقابله می کنیم،

خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ ، وَشَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ ، وَلَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ مَلَكٌ

خیرت به سوی ما سرازیر است، و بدی ما به سوی تو بالا می آید، همواره فرشته

كَرِيمٌ ، يَأْتِيكَ عَنَّا بِعَمَلٍ قَبِيحٍ ، فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ أَنْ

کریمی، از ما کردار زشت به جانب تو می آید، و این امر مانع نمی شود از اینکه ما را با

تَحُوطُنَا بِنِعْمِكَ ، وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِالْإِثْمِ ، فَسُبْحَانَكَ ؛ مَا

نعمتهایت فراگیری، و به عطاهای برجستهات بر ما تفضل نمایی، منزهی تو،

أَحْلَمَكَ ! وَأَعْظَمَكَ وَأَكْرَمَكَ ! مُبْدئًا وَمُعِيدًا . تَقَدَّسَتْ

چه بردبار و بزرگ و کریمی، آغاز کننده به نیکی و تکرار کننده آنی، نامهایت

أَسْمَاؤُكَ ، وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ ، وَكَرَّمَ صَنَائِعُكَ وَفِعَالُكَ ؛ أَنْتَ إِلَهِي

مقدس، و ثنایت عظیم، و رفتارها و کردارهایت کریمانه است، خدایا،

دُعایِ بوسنره شمالی

أَوْسَعُ فَضْلًا ، وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَايَسَنِي بِفِعْلِي وَخَطِيئَتِي ،

فضلت گسترده تر، و بردباری ات بزرگ تر از آن است که مرا به کردار ناپسند و خطا کاری ام بسنجی،

فَالْعَفْوِ الْعَفْوِ [الْعَفْوِ] ! سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي ! اَللّٰهُمَّ اشْعَلْنَا

پس گذشت نما، گذشت نما، گذشت نما، آقای من، آقای من، آقای من. خدایا ما را به ذکرت

بِذِكْرِكَ ، وَأَعِدْنَا مِنْ سَخَطِكَ ، وَأَجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ ، وَارْزُقْنَا

مشغول کن، و از خشمت پناه ده، و از عذابت نجات بخش، و از مواهبت

مِنْ مَوَاهِبِكَ ، وَانْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ ، وَارْزُقْنَا حَجَّ

روزی کن، و از فضلت بر ما انعام فرما، و زیارت

بَيْتِكَ ، وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ ، صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ

خانهات، و زیارت مرقد پیامبرت را روزی ما کن، صلوات و رحمت و مغفرت

وَرِضْوَانِكَ عَلَيْهِ ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ ؛ إِنَّكَ قَرِيبٌ مُّجِيبٌ ؛

و رضوانت بر پیامبر و خاندانش، تو نزدیک و جواب دهنده هستی،

وَارْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ ، وَتَوْفَقًا عَلَى مِلَّتِكَ ، وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ

عمل به طاعتت را روزی ما گردان، و ما را بر دینت و بر روش پیامبرت

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيْ ، وَارْحَمْهُمَا

(درود خدا بر او و خاندانش) بمیران. خدایا من و پدر و مادرم را ببامرز و به هر دو آنها رحم کن،

كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ، اجْزِهِمَا بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا ، وَبِالسَّيِّئَاتِ

چنان که مرا به گاه کودکی پروردند، احسان هردو را به احسان، و بدیهایشان را به آمرزش

عُفْرَانًا. اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ

پاداش ده. خدایا مردان و زنان مؤمن را ببامرز، چه زنده

وَالْأَمْوَاتِ ، وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ (فِي الْخَيْرَاتِ) ؛

و چه مرده آنها را، و بین ما و آنان با نیکیها پیوند ده.

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا ، وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا ، ذَكِّرْنَا وَأُنْثَانَا

خدایا ببامرز زنده و مرده ما را، حاضر و غائب ما را، مرد و زن ما را،

(إِنَّا نَا)، صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا ، حُرِّنَا وَمَمْلُوكِنَا ، كَذَّبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ ،

کوچک و بزرگ ما را، آزاد و غیر آزاد ما را، برگشتگان از خدا دروغ گفتند،

دُعایِ بوسنه شمالی

وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا ، وَ خَسِرُوا خُسْرَانًا مُبِينًا . اَللّٰهُمَّ صَلِّ

و گمراه شدند گمراهی دوری، و زیان کردند، و زبانی آشکار. خدا یا

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاخْتِم لِي بِخَيْرٍ ، وَاكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و برایم ختم به خیر فرما، و مرا از آنچه که بی قرارم کرده از

أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي ، وَلَا تَسْلِطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي ، وَاجْعَلْ عَلَيَّ

کار دنیا و آخرتم کفایت کن، و کسی که مرا رحم نمی کند بر من چیره مساز،

مِنْكَ وَاقِيَةً بَاقِيَةً ، وَلَا تَسْلُبْنِي صَالِحًا مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ ،

و بر من از سوی خود نگهداری همیشگی قرار ده، و از من شایسته های آنچه را که انعام کردی مگیر،

وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا ، حَلَالًا طَيِّبًا . اَللّٰهُمَّ احْرُسْنِي

و از فضلت روزی گسترده حلال پاکیزه نصیب من کن. خدا یا به نگهداری ات

بِحِرَاسَتِكَ ، وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ ، وَاکْلَأْنِي بِكَلَاءَتِكَ ،

مرا نگهداری کن، و به نگهداری ات مرا نگهدار و به پاسداری ات از من پاسداری فرما،

وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ [الْحَرَامِ] ، فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ ،

و زیارت و خانه ات را در این سال و در هر سال،

وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالْأَيْمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَلَا تُخْلِنِي يَا رَبِّ

و زیارت مرقد پیامبرت و امامان (درود بر آنان) را روزی من کن، پروردگارا

مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ ، وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ . اَللّٰهُمَّ

از این مشاهد پر شرف و مواقف بس گرامی مرا محروم مساز. خدا یا

تُبَّ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَعْصِيكَ ، وَاهْمِنِي الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ ،

به من روی آور تا نافرمانی ات نکنم، و خیر و عمل به آن

وَخَشِيَّتَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا أَبْقَيْتَنِي ؛ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .

و خشیت از خویش را در شب و روز، تا گاهی که زنده می داری ای پروردگار جهانیان به من الهام فرما.

اَللّٰهُمَّ اِنِّي كَلَّمْتُكَ قَدْتَهَيَاتُ وَتَعَبَاتُ (وَتَعَبَيْتُ) ، وَكُنْتُ لِلصَّلَاةِ

خدا یا هر گاه گفتم مهیا و آماده شدم و در پیشگاهت به نماز ایستادم

بَيْنَ يَدَيْكَ وَنَاجَيْتُكَ ، أَلْقَيْتَ عَلَيَّ نِعَاسًا إِذَا أَنَا صَلَّيْتُ ،

و با تو راز گفتم، چرتی بر من افکندی، آنگاه که وارد نماز شدم،

دُعایِ بوسنزه شالی

وَسَلَبْتَنِي مُنَاجَاتِكَ إِذَا أَنَا نَاجِيْتُ . مَا لِي ؟ كَلَّمَا قُلْتُ قَدْ

و حال راز گفتن راز من گرفتی ، آنگاه که با تو راز و نیاز کردم ، مرا چه شده؟ هرگاه گفتم

صَلَحَتْ سَرِيرَتِي ، وَقَرُبَ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي ،

نهانم شایسته شد، و جایگاهم به جایگاه و توبه کنندگان نزدیک گشته

عَرَضْتُ لِي بِلِيَّةٍ أَزَالَتْ قَدَمِي ، وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ ؛

برایم گرفتاری پیش آمد، بر اثر آن گرفتاری پایم لغزید، و میان من و خدمت تو مانع شد

سَيِّدِي ، لَعَلَّكَ عَنِ بَابِكَ طَرَدْتَنِي ، وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي ،

سرور من شاید مرا از درگاهت رانده‌ای، و از خدمتت عزل نموده‌ای،

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخِفًّا بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي ، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي

یا مرا دیده‌ای که حقّت را سبک می‌شمارم پس از پیشگاهت دورم ساختی، یا شاید مرا روی

مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي ، أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ

گردان از خود مشاهده کردی، پس مرا مورد خشم قرار دادی یا شاید مرا در جایگاه دروغگویان

فَرَفَضْتَنِي ، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي ،

یافتی، پس به دورم انداختی، یا شاید مرا نسبت به نعمتهایت ناسپاس دیدی، پس محروم نمودی،

أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي ، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي

یا شاید مرا از همنشینی دانشمندان غایب یافتی، پس خوارم نمودی، یا شاید مرا

فِي الْغَافِلِينَ مِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي ، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي آلفَ

در گروه غافلان دیدی، پس از رحمتت ناامیدم کردی، یا شاید مرا انس یافته با

مَجَالِسِ الْبَطَالِينِ ، فَبَيْنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي ، أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ

مجالس بیکاره‌ها دیدی، پس مرا به آنان وا گذاشتی، یا شاید دوست نداشتی

تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي ، أَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمِي وَجَرِيرَتِي كَافَيْتَنِي ، أَوْ

دعایم را بشنوی پس دورم نمودی، یا شاید به خاطر جرم و جنایتم کیفرم نمودی، یا شاید

لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ حَيَاتِي مِنْكَ جَازَيْتَنِي ، فَإِنَّ عَفْوَتَ يَا رَبِّ ، فَطَالَ

برای کمی حیاتم از تو مجازاتم نمودی، پس اگر پروردگارا عفو کنی، سابقه

مَا عَفَوْتَ عَنِ الْمُذْنِبِينَ قَبْلِي ، لِأَنَّ كَرَمَكَ أَي رَبِّ يَجِلُّ عَنْ

اینکه از گناهکاران پیش از من گذشته‌ای طولانی است، زیرا کرمت پروردگارا

دُعایِ بحسره ثمالی

مُكَافَاةِ الْمُتَقَصِّرِينَ ، وَأَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ ، هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ ،

از مجازات اهل تقصیر بسیار بزرگ تر است، و من پناهنده به فضل توام، از تو به تو گریزانم،

مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ ، مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا . إِلَهِي

خواهان چیزی هستم که وعده داده‌ای. و آن چشم‌پوشی از کسانی است که به تو گمان نیک برده‌اند، خدایا

أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا ، وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَايِسَنِي بِعَمَلِي ، أَوْ أَنْ

فضل تو گسترده‌تر، و بردباری‌ات بزرگ‌تر از آن است که مرا به کردارم بسنجی، یا به

تَسْتَرِلْنِي بِخَطِيئَتِي ، وَمَا أَنَا يَا سَيِّدِي وَمَا خَطْرِي؟ هَبْنِي

خطایم بلغزانی، ای آقایم من چیستم، و چه ارزشی دارم،

بِفَضْلِكَ سَيِّدِي ، وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ ، وَجَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ ،

سرور من مرا به فضلت ببخش، و با گذشتت بر من کرم فرما، و به پرده‌پوشی‌ات خطاهایم را بپوشان،

وَاعْفُ عَن تَوْبِيخِي بِكْرَمِ وَجْهِكَ . سَيِّدِي ، أَنَا الصَّغِيرُ

و به کرم و وجود از توبیخم درگذر، آقای من منم کودکی

الَّذِي رَبَّيْتَهُ ، وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ ، وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي

که پروریدی، منم نادانی که دانا نمودی، منم گمراهی که

هَدَيْتَهُ ، وَأَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ ، وَأَنَا الْخَائِفُ الَّذِي آمَنْتَهُ ،

هدایت کردی، منم افتاده‌ای که بلندش نمودی، منم هراسانی که امانش دادی،

وَالْجَائِعُ الَّذِي أَشْبَعْتَهُ ، وَالْعَطْشَانُ الَّذِي أَرَوَيْتَهُ ، وَالْعَارِي

و گرسنه‌ای که سیرش نمودی، و تشنه‌ای که سیرابش کردی، و برهنه‌ای

الَّذِي كَسَوْتَهُ ، وَالْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ ، وَالضَّعِيفُ الَّذِي

که لباسش پوشاندی، و تهیدستی که توانگرش ساختی، و ناتوانی که

قَوَيْتَهُ ، وَالذَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ ، وَالسَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ ،

نیرومندش نمودی، و خواری که عزیزش فرمودی، و بیماری که شفایش دادی،

وَالسَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ ، وَالْمُذْنِبُ الَّذِي سَتَرْتَهُ ، وَالْخَاطِئُ

و خواهشمندی که عطایش کردی، و گنهکاری که گناهش را بر او پوشاندی، و خطاکاری

الَّذِي أَقَلْتَهُ ، وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتَهُ ، وَالْمُسْتَضْعَفُ الَّذِي

که نادیده‌اش گرفتی، و اندکی که بسیارش فرمودی، و ناتوان شمردهای که

دُعایِ بوحسره ثمالی

نَصْرَتَهُ، وَأَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي آوَيْتَهُ. أَنَا يَا رَبِّ، الَّذِي لَمْ أَسْتَحِيكَ

یاری اش دادی، و رانده شده‌ای که مأوایش بخشیدی، من پروردگارا کسی هستم که

فِي الْخَلَاءِ، وَلَمْ أُرَاقِبَكَ فِي الْمَلَأِ؛ أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى؛

در خلوت از تو حیا نکردم، و در آشکار از تو ملاحظه نمودم، منم صاحب مصیبت‌های بزرگ،

أَنَا الَّذِي عَلَى سَيِّدِهِ اجْتَرَى؛ أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ؛

منم آن که بر آقایش گستاخی کرد، منم آن که جبار آسمان را نافرمانی کرد،

أَنَا الَّذِي أَعْطَيْتُ عَلَى مَعْصِي الْجَلِيلِ الرَّشَا؛ أَنَا الَّذِي حِينَ بُسِّرْتُ

منم آن که بر معاصی بزرگ رشوه دادم، منم آن که هرگاه به گناهی مزده داده می‌شدم

بِهَا خَرَجْتُ إِلَيْهَا أَسْعَى؛ أَنَا الَّذِي أَمَهَلْتَنِي فَمَا ارْعَوَيْتُ،

شتابان به سویش می‌رفتم، منم آن که مهلتم دادی باز نایستادم،

وَسَتَرْتَ عَلَيَّ فَمَا اسْتَحْيَيْتُ، وَعَمِلْتُ بِالْمَعْصِي فَتَعَدَّيْتُ،

و بر من پرده پوشاندی حیا نکردم، و مرتکب گناهان شدم و از اندازه گذراندم

وَأَسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ (عِنْدَكَ) فَمَا بَالَيْتُ، فَبِحِلْمِكَ أَمَهَلْتَنِي،

و مرا از چشمت انداختی، اهمیت ندادم، پس با بردباری‌ات مهلتم دادی،

وَبَسْرَتِكَ سَتَرْتَنِي، حَتَّى كَأَنَّكَ أَغْفَلْتَنِي، وَمِنْ عُقُوبَاتِ

و با پرده‌پوشی‌ات مرا پوشاندی تا آنجا که گویی مرا از یاد برده‌ای، و از مجازات

الْمَعْصِي جَنَّبْتَنِي، حَتَّى كَأَنَّكَ اسْتَحْيَيْتَنِي. إلهي لَمْ أَعْصِكَ

گناهان بر کنارم داشته‌ای، گویا تو از من حیا کرده‌ای!! خدا یا، آنگاه که نافرمانی

حِينَ عَصَيْتُكَ، وَأَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَاحِدٌ، وَلَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ،

کردم نافرمانی‌ات نکردم چنان که منکر پروردگاری‌ات باشم، و نه چنان که سبک شمارنده فرمانت باشم،

وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ، وَلَا لِعِيدِكَ مُتَهَوِّنٌ، لَكِن خَطِيئَةٌ

و نه با گستاخی در معرض کيفرت قرار گیرم، و نه تهدیدت را ناچیز شمارم، ولی خطایی بود

عَرَضْتُ وَسَوَّلْتُ لِي نَفْسِي، وَغَلَبَنِي هَوَايَ، وَأَعَانَنِي عَلَيْهَا

که بر من عارض شد و نفسم آن را برایم آراست، و بدبختی‌ام

شِقْوَتِي، وَغَرَّنِي سِتْرَكَ الْمُرْخِي عَلَيَّ، فَقَدْ عَصَيْتُكَ

مرا بر آن یاری نمود، و پرده افتاده‌ات بر من مغرورم نمود، در نتیجه با کوششم

دُعایِ بوسنه شمالي

وَخَالَفْتُكَ بِجُهْدِي؛ فَلَاآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي؟ وَمِنْ

نافرمانی ات نمودم و به مخالفتت برخاستم اکنون چه کسی مرا از عذابت نجات می دهد،

أَيْدِي الْخِصْمَاءِ عَدَاً مَنْ يُخَلِّصُنِي؟ وَبِحَبْلِ مَنْ اتَّصِلُ إِنْ أَنْتَ

و فردا از چنگ ستیزه جویان و دشمنی کنندگان چه کسی رهايم می کند، و به رشته چه کسی بپیوندم اگر تو

قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي؟ فَوَاسْوَاتَا عَلَيَّ مَا أَحْصَى كِتَابُكَ مِنْ عَمَلِي!

رشته ات را از من بگسلی، مرا چه رسوایی بزرگی است از آنچه کتاب تو از کردارم در شمار آورده،

الَّذِي لَوْلَا مَا أَرَجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ، وَنَهْيِكَ

اگر امیدوار به کرم فراوانی رحمت نبودم، و هم اینکه

إِيَّايَ عَنِ الْقُنُوطِ، لَقَنْطُتُ عِنْدَمَا اتَذَكَّرُهَا؛ يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ

مرا از ناامیدی نهی نموده ای، هر آینه ناامید می شدم به هنگامی که گناهانم را بس یاد می آوردم، ای بهترین کسی که

دَاعٍ، وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ. اللَّهُمَّ بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتَوْسَلُ

خواننده ای او را خواند، و برترین کسی که امیدواری به او امید بست. خدایا به پیمان اسلام به تو توسل

إِلَيْكَ، وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ اعْتَمِدُ عَلَيْكَ، وَبِحُبِّي النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ

می جویم، و به حرمت قرآن بر تو تکیه می کنم، و به محبت من نسبت به پیامبر درس ناخوانده

الْقُرَشِيِّ، الْهَاشِمِيِّ الْعَرَبِيِّ التِّهَامِيِّ، الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ، أَرْجُو الزُّلْفَةَ

قربشی هاشمی عربی تهامی مکی مدنی، همجواری نزد تو را امید

لَدَيْكَ، فَلَا تُوْحِشْ اسْتِينَاَسَ إِيْمَانِي، وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ

می نمایم، پس انس ایمانی مرا در عرصه وحشت نینداز، و پاداش مرا، پاداش کسی که غیر

مَنْ عَبْدَ سِوَاكَ، فَإِنَّ قَوْمًا آمَنُوا بِالسِّنْتِمْ لِيَحْقِنُوا بِهِ

تو را عبادت کرده قرار مده، چه اینکه مردمی به زبانشان ایمان آوردند تا جانشان را به این وسیله

دِمَاءَهُمْ، فَأَدْرَكُوا مَا أَمَّلُوا، وَإِنَّا آمَنَّا بِكَ بِالسِّنْتِنَا وَقُلُوبِنَا،

حفظ کنند، پس به آنچه آرزو داشتند رسیدند، و ما با زبان و دلمان به تو ایمان آوردیم،

لِتَعْفُو عَنَّا، فَأَدْرَكْنَا مَا أَمَلْنَا، وَثَبَّتْ رَجَاءُكَ فِي صُدُورِنَا،

تا از ما درگذری، پس ما را به آنچه آرزو مندیم برسان، و امیدت را در سینه هایمان استوار کن،

وَلَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا، وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً؛ إِنَّكَ

و دلهایمان را پس از آنکه هدایتمان فرمودی گمراه مکن، و از جانب خود ما را ببخش، که تو

دُعایِ بوحسره شامی

أَنْتَ الْوَهَّابُ. فَوَعِزَّتِكَ لَوْ أَنْتَهَرْتَنِي مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ ،

بسیار بخشنده‌ای، به عزتت سوگند اگر مرا برانی، از درگاهت نخواهم رفت،

وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ ، لِمَا أَلْهَمَ قَلْبِي [يَا سَيِّدِي] مِنَ الْمَعْرِفَةِ

و از چالپوسی نسبت به تو باز نخواهم ایستاد، به خاطر الهامی که از معرفت

بِكْرَمِكَ ، وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ . إِلَى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَى

به کرمت و گستردگی رحمتت به قلب من شده، بنده به جانب چه کسی جز

مَوْلَاهُ ، وَإِلَى مَنْ يَلْتَجِي الْمَخْلُوقُ إِلَّا إِلَى خَالِقِهِ . إِلَهِي لَوْ قَرَنْتَنِي

مولایش می‌رود؟ و آفریده به چه کسی جز آفریدگارش پناه می‌برد؟ خدایا، اگر مرا با زنجیرها

بِالْأَصْفَادِ ، وَمَنْعَتَنِي سَيْبِكَ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ ، وَذَلَّلْتَ عَلَيَّ

ببندی، و عطایت را در میان مردم از من بازداری، و بر رسوایی‌هایم

فَضَائِحِي عُيُونَ الْعِبَادِ ، وَأَمَرْتَ بِي إِلَى النَّارِ ، وَحُلْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ

دیدگان بندگانت را بگشایی، و مرا به سوی دوزخ فرمان دهی، و بین من و نیکان

الْأَبْرَارِ ، مَا قَطَعْتُ رَجَائِي مِنْكَ ، وَمَا صَرَفْتُ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ

پرده گردی، امیدم را از تو نخواهم برید، و آرزویم را از عفو تو باز نخواهم

عَنْكَ ، وَلَا خَرَجَ حُبُّكَ مِنْ قَلْبِي ، أَنَا لَا أَنْسِي أَيَّادِيكَ عِنْدِي ،

گرداند، و محبتت از قلبم بیرون نخواهد رفت، من فراموشی من فراموشی را نزد خود،

وَسِتْرَكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا . سَيِّدِي ، أَخْرَجَ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي ،

و پرده پوشی‌ات را در دار دنیا بر گناهانم فراموش نخواهم کرد، ای آقای من محبت دنیا را از دلم بیرون کن،

وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَى ، وَآلِهِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ،

و میان من و مصطفی پیامبرت و خاندانش، بهترین برگزیدگان از آفریدگانت

[وَ] خَاتِمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَانْقُلْنِي إِلَى دَرَجَةِ

و پایان بخش پیامبران محمد (درود خدا بر او و خاندانش) جمع کن، و مرا به مقام

التَّوْبَةِ إِلَيْكَ ، وَأَعِنِّي بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي ، فَقَدْ أَفْنَيْتُ

توبه به پیشگاهت برسان، و بر گریه بر خویشتم مرا یاری ده، من عمرم را

بِالتَّسْوِيفِ وَالْأَمَالِ عُمَرِي ، وَقَدْ نَزَلْتُ مَنَزِلَةَ الْآيسِينَ مِنْ

به امروز و فردا کردن و آرزوهای باطل نابود ساختم، و اینک به جایگاه ناامیدان از

دُعایِ بوسنه شمالی

خَيْرِي (حَيَاتِي) ، فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالًا مِنِّي ؟ إِنْ أَنَا نُقِلْتُ عَلَيَّ

خیر و صلاح فرود آمده‌ام، پس بدحال تر از من کیست؟ اگر من بر

مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِي ، لَمْ أَمْهَدُهُ لِرَقْدَتِي ، وَلَمْ أَفْرَشْهُ بِالْعَمَلِ

چنین حالی به قبرم وارد شوم، قبری که آن را برای خواب آماده نساختم‌ام، و برای آرمیدن به کار

الصَّالِحِ لِيُصْبِحَ عَلَيَّ ؛ وَمَالِي لَا أَبْكِي ! وَلَا أَدْرِي إِلَى مَا يَكُونُ

نیک فرشی ننموده‌ام، و مرا چه شده که گریه نکنم، و حال آنکه نمیدانم باز گشت من به جانب چه

مَصِيرِي ، وَارَى نَفْسِي تُخَادِعُنِي ، وَأَيَّامِي تُخَاتِلُنِي ، وَقَدْ

خواهد بود، من نفسم را می‌نگرم که با من نیرنگ می‌بازد، و روزگار را مشاهده می‌کنم که مرا می‌فریبید، و حال آنکه

خَفَقَتْ عِنْدَ رَأْسِي أَجِنِحَةُ الْمَوْتِ ؛ فَمَا لِي لَا أَبْكِي ! أَبْكِي

بالهای مرگ بالای سرم به حرکت درآمد، پس مرا چه شده که گریه نکنم، گریه می‌کنم

لِخُرُوجِ نَفْسِي ؛ أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي ؛ أَبْكِي لِضَيْقِ لِحْدِي ؛ أَبْكِي

برای بیرون رفتن جان از بدنم، گریه می‌کنم برای تاریکی قبرم، گریه می‌کنم برای تنگی لحدم، گریه می‌کنم

لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ إِيَّايَ ؛ أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عُرْيَانًا

برای پرسش دو فرشته قبر منکر و نکیر از من، گریه می‌کنم برای در آمدنم از قبر عریان

ذَلِيلًا ، حَامِلًا ثِقَلِي عَلَى ظَهْرِي ، أَنْظُرُ مَرَّةً عَنِ يَمِينِي وَأُخْرَى

و خوار، در حالی که بار سنگینی را بر دوش می‌کشم، یک بار از طرف راست و بار دیگر از جانب

عَنْ شِمَالِي ، إِذِ الْخَلَائِقُ فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي : ﴿لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ

چیم نگاه می‌کنم، هنگامی که مردمان در کاری جز کار منند، چه برای هر کسی از آنان در آن

يَوْمٍ يَوْمٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ؛ وَوَجْهُهُ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ؛ ضَاحِكَةٌ

روز کاری است که او را بس است، چهره‌هایی در آن روز روشن و خندان خوشحال‌اند، و چهره‌هایی

مُسْتَبْشِرَةٌ ؛ وَوَجْهُهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ؛ تَرَهَقُهَا قَتَرَةٌ ﴿وَذَلَّةٌ .

در آن روز بر آنها غبار بدفرجامی نشسته، و سیاهی و خواری و آنها را پوشانده،

سَيِّدِي ، عَلَيْكَ مُعْوَلِي وَمُعْتَمِدِي ، وَرَجَائِي وَتَوَكَّلِي ،

ای آقای من، تکیه و اعتمادم و امیدم و توکلم بر تو،

وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي ، تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ ، وَتَهْدِي

و اویختنم بر رحمت توست، هر که را خواهی

دُعایِ بوحسره ثمالی

بِكْرَامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ ؛ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ مَا نَقَّيْتَ مِنْ

به رحمتت رسانی، و با کرامتت هر که را دوست داری هدایت کنی، پس تو را سپاس بر اینکه

الشَّرِكِ قَلْبِي ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ بَسْطِ لِسَانِي ؛ أَفْبَلِسَانِي هَذَا

قلبم را از شرک پاک نمودی، و برای تو سپاس بر گشودن زبانم، آیا با این زبان کندم تو را

الْكَالِ أَشْكُرُكَ ، أَمْ بِغَايَةِ جُهْدِي فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ ؟!

شکر کنم، یا با نهایت کوشش در کارم تو را خشنود نمایم، پروردگارا ارزش

وَمَا قَدَرُ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ ، وَمَا قَدَرُ عَمَلِي

زبانم در کنار شکرست، و قیمت کارم در برابر

فِي جَنْبِ نِعْمِكَ وَ إِحْسَانِكَ . إِلَهِي إِنَّ جُودَكَ بَسَطَ أَمَلِي ،

نعمتهایت و احسانت چه اندازه است؟! خدایا، جودت آرزویم را گسترده،

و شُكْرِكَ قَبْلَ عَمَلِي . سَيِّدِي ، إِلَيْكَ رَغَبْتِي ، وَإِلَيْكَ (مِنْكَ)

و سیاست عملم را پذیرفت، ای آقای من میلم به سوی توست، و ترسم از جانب

رَهْبَتِي ، وَإِلَيْكَ تَأْمِيلِي ، وَقَدْ سَاقَنِي إِلَيْكَ أَمَلِي ، وَعَلَيْكَ

توست، و آرزویم به پیشگاه توست، آرزویم مرا به سوی تو کشانده و همتم

(إِلَيْكَ) يَا وَاحِدِي عَكَفَتْ هِمَّتِي ، وَفِيَاءِ عِنْدَكَ انْبَسَطَتْ

بر درگاه تو ای خدای یگانه معتكف شده، و رغبتم در آنچه نزد توست

رَغَبْتِي ، وَ لَكَ خَالِصُ رَجَائِي وَ خَوْفِي ، وَ بِكَ أَنْسَتُ مَحَبَّتِي ،

فزوننی یافته، امید خالص و بیمم برای توست، و محبتتم به تو انس گرفته،

وَ إِلَيْكَ أَلْقَيْتُ بِيَدِي ، وَ بِجَبَلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتِي . [يَا]

و دستم را به جانب تو انداختم، و ترسم را به سوی رشته طاعت تو کشیدم، ای

مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي ، وَ مِمَّنَا جَاتِكَ بَرَدْتُ أَلْمَ الْخَوْفِ عَنِّي ،

مولای من دلم به یاد تو زندگی کرد، و با مناجات با تو آتش هراس را بر خود سرد نمودم،

فِيَا مَوْلَايَ ، وَيَا مُؤَمِّلِي ، وَيَا مُنْتَهَى سُؤْلِي ، فَرَّقَ بَيْنِي وَ بَيْنَ ذَنْبِي ،

ای مولایم و ای آرزویم و ای نهایت خواسته‌ام، میان من و گناهم جدایی انداز، گناهی که

الْمَانِعِ لِي مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ ، فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ فِيكَ ،

بازدارنده من از ملازمت طاعت توست، تنها از تو درخواست می‌کنم، به خاطر امید دیرینه به تو،

دُعایِ بوسنه شمالی

وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ ، الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَيَّ نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ

و بزرگی طمع از تو، که از مهر و رحمت بر خود

وَالرَّحْمَةِ ، فَالْأَمْرُ لَكَ وَحَدَّكَ ، لَا شَرِيكَ لَكَ ، وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ

واجب کرده‌ای، پس فرمان تورااست، یگانه‌ای و شریکی نداری، و همه خلق

عِيَالِكَ وَفِي قَبْضَتِكَ ، وَكُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ ، تَبَارَكَتَ يَا

جیره‌خوار تو، و در دست قدرت تواند، و هر چیز برای تو فروتن است، منزه‌ی تو‌ای

رَبِّ الْعَالَمِينَ. إلهي ارحمني إذا انقطعت حُجَّتِي ، وَكَلَّ عَن

پروردگار جهانیان، خدایا به من رحم کن آنگاه که حجت‌م بریده شود،

جَوَابِكَ لِسَانِي ، وَطَاشَ عِنْدَ سُؤَالِكَ إِيَّايَ لُبِّي ، فَيَا عَظِيمِ

و زبانم از پاسخت ناگویا گردد، و به هنگام بازپرسی‌ات هوش از سرم برود، ای بزرگ

رَجَائِي ، لَا تُخَيِّبْنِي إِذَا اشْتَدَّتْ فَاقَتِي ، وَلَا تَرُدَّنِي لِجَهْلِي ،

امیدم، زمانی که بیچارگی‌ام شدت گیرد محرومم مکن، و به خاطر نادانی‌ام از در گاهت مران،

وَلَا تَمْنَعْنِي لِقَلَّةِ صَبْرِي ، أَعْطِنِي لِفَقْرِي ، وَارْحَمْنِي لِضَعْفِي .

و به علت کم تاب‌ی‌ام از رحمتت دریغ مفرما، به جهت تهیدستی‌ام عطایم کن، و به خاطر ناتوانی‌ام به من رحم کن،

سَيِّدِي ، عَلَيْكَ مُعْتَمَدِي وَمُعَوَّلِي ، وَرَجَائِي وَتَوَكَّلِي ،

آقایم اعتماد و تکیه، امید و توکلم بر توست،

وَيَرْحَمَتِكَ تَعَلَّقِي ، وَيَفِنَائِكَ أَحْطُ رَحْلِي ، وَبِجُودِكَ أَقْصِدُ

و آویختنم به رحمت توست، و بارم را به آستان تو اندازم، و خواسته‌ام را به جود

طَلَبْتِي ، وَبِكْرَمِكَ أَيَّ رَبِّ اسْتَفْتِحُ دُعَائِي ، وَلَدَيْكَ أَرْجُو

و کرم تو جویم، پروردگارا دعایم را آغاز می‌کنم، و رفع تنگدستی‌ام را به تو

فَاقَتِي ، وَيَغْنَاكَ أَجْبُرُ عَيْلَتِي ، وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي ، وَإِلَى

امید می‌بندم، و به توانگری تو ناداری‌ام را جبران می‌کنم، و ایستادنم زیر سایه عفو توست، و به جانب

جُودِكَ وَكِرْمِكَ أَرْفَعُ بَصْرِي ، وَإِلَى مَعْرِوفِكَ أُدِيمُ نَظْرِي ،

جود و کرمت دیده‌ام را بلند می‌کنم، و به سوی احسانت نگاهم را ادامه می‌دهم،

فَلَا تُحْرِقْنِي بِالنَّارِ ، وَأَنْتَ مَوْضِعُ أَمَلِي ، وَلَا تُسَكِّنِي الْمَاهِيَةَ ، فَإِنَّكَ

پس مرا به آتش مسوزان، و حال آنکه تو جایگاه آرزوی منی، و در دوزخ جایم مده که تو

دُعایِ بوسنه شمالی

قُرَّةُ عَيْنِي . يَا سَيِّدِي ، لَا تُكْذِبْ ظَنِّي بِإِحْسَانِكَ

نور چشم منی، ای آقای من گمانم را به احسان و نیکیات

وَمَعْرِوفِكَ ، فَإِنَّكَ ثِقَّتِي ، وَلَا تَحْرِمْنِي ثَوَابَكَ ، فَإِنَّكَ الْعَارِفُ

تکذیب مکن که تویی مورد اطمینانم، و از پاداشت محروم مگردان که تو عارف

بِفَقْرِي . إلهي إن كان قد دنا أجلي ، ولم يُقَرِّبني منك عملي ،

به تهیدستی منی. خدایا اگر مرگم فرا رسیده و کردارم مرا به تو نزدیک نکرده

فَقَدْ جَعَلْتُ الإِعْتِرَافَ إِلَيْكَ بِذَنْبِي وَسَائِلَ عَلَيَّ . إلهي إن

پس اعتراف به گناهم را به پیشگاهت وسیله عذرخواهی ام قرار دادم. خدایا اگر

عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ؟ وَإِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ

گذشت کنی، پس سزاوارتر از وجود تو به گذشت کیست، و اگر عذاب نمایی پس دادگرتر از تو

فِي الْحُكْمِ؟! إِرْحَمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتِي ، وَعِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي ،

در داوری کیست؟، در این دنیا به غربت، و به گاه مرگ به سختی جان دادنم،

وَفِي الْقَبْرِ وَحْدَتِي ، وَفِي اللَّحْدِ وَحَشْتِي ، وَإِذَا نُشِرْتُ لِلْحِسَابِ

و در قبر به تنهایی ام، و در لحد به هراسم رحم کن، و زمانی که برای حساب

بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلٌّ مَوْقِفِي ، وَاعْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَيَّ الْآدَمِيِّينَ

در برابر برانگیخته شدم به خواری جایگاهم رحمت آور، و آنچه از کردارم بر انسانها پوشیده مانده بیامرز،

مِنْ عَمَلِي ، وَادِّمْ لِي مَا بِهِ سَتَرْتَنِي ، وَارْحَمْنِي صَرِيحًا عَلَيَّ

و آنچه را که مرا به آن پوشاندی تداوم بخش، و به من در حال افتادن در بستر مرگ

الْفِرَاشِ ، تُقَلِّبْنِي أَيْدِي أَحِبَّتِي ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُودًا عَلَيَّ

که دستهای دوستانم مرا این طرف و آن طرف کند رحم فرما، و به من محبت فرما در آن حال که روی

الْمُعْتَسِلِ ، يُقَلِّبْنِي صَالِحُ جِيرَتِي ، وَتَحَنَّنْ عَلَيَّ مَحْمُولًا ، قَدْ تَنَاوَلَ

تخت غسلخانه به صورت دراز افتاده ام، و همسایگان شایسته مرا به این سو و آن سو برمی گردانند بر من تفضل کن،

الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ جَنَازَتِي ، وَجُدْ عَلَيَّ مَنقُولًا ، قَدْ نَزَلْتُ بِكَ

و در وقت حمل شدنم که بستگانم گوشه های جنازهام را به دوش برداشته اند، و در حالت حمل شدنم، که تنها در

وَحِيدًا فِي حُفْرَتِي ، وَارْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْمَجْدِيدِ غُرْبَتِي ،

قبرم وارد پیشگاه تو شده ام بر من جود نما، و در این خانه جدید بر غربتم رحم کن،

دُعایِ بوسنه شمالی

حَتَّى لَا أَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ . يَا سَيِّدِي ، إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى

تا به غیر تو انس نگیرم ای آقای من، اگر مرا به خودم واگذاری

نَفْسِي هَلَكْتُ؛ سَيِّدِي ، فَبِمَنْ أَسْتَعِيْثُ إِنْ لَمْ تُقْلِنِي عَثْرَتِي؟!

هلاک شده‌ام، ای آقای من، اگر لغزشم را نادیده نگیری از چه کسی فریادرسی خواهیم،

فَأَلِيَّ مَنْ أَفْزَعُ إِنْ فَقَدْتُ عِنَايَتَكَ فِي ضَجْعَتِي؟! وَإِلَى مَنْ أَلْتَجِيُّ

و به چه کسی پناه ببرم اگر عنایتت را در آرامگاهم نداشته باشم، و به چه کسی التجا برم اگر غم

إِنْ لَمْ تُنْفِسْ كُرْبَتِي؟! سَيِّدِي ، مَنْ لِي وَمَنْ يَرْحَمُنِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي؟!

و اندوهم را برطرف نکنی؟، ای آقای من که را دارم و چه کسی بر من رحم می‌کند، اگر تو به من رحم نکنی،

وَفَضْلٍ مَنْ أُوْمِّلُ إِنْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فِائِقَتِي؟! وَإِلَى مَنْ

و احسان که را آرزو کنم، اگر احسان تو را روز بیچارگی ام نداشته باشم، و گریز از

الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ، إِذَا انْقَضَى أَجَلِي؟! سَيِّدِي ، لَا تُعَذِّبْنِي وَأَنَا

گناهان به سوی کیست، وقتی که عمرم سرآید؟، ای آقای من، مرا عذاب مکن که

أَرْجُوكَ . اَللّٰهُمَّ حَقِّقْ رَجَائِي ، وَآمِنْ خَوْفِي ، فَإِنَّ كَثْرَةَ

امید به تو دارم، خدایا امیدم را تحقق بخش، و ترسم را ایمنی ده، زیرا من در عین فراوانی

ذُنُوبِي لَا أَرْجُو فِيهَا إِلَّا عَفْوَكَ . سَيِّدِي ، أَنَا أَسْأَلُكَ مَا

گناهانم امید می‌دارم جز به گذشت تو ندارم، ای آقای من چیزی را از تو درخواست دارم که

لَا أَسْتَحِقُّ ، وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ، فَاعْفِرْ لِي ،

شایسته آن نیستم، و تو اهل تقوا و آمرزشی، پس مرا ببامرز،

وَالْبَسْنِي مِنْ نَظْرِكَ ثَوْبًا يُغَطِّي عَلَيَّ التَّبَعَاتِ ، وَتَغْفِرْهَا لِي

و جامه‌ای از لطفت بر من بپوشان، که گناهانم را بر من بپوشاند، و آنها را ببامرزی

وَلَا أَطَالِبُ بِهَا؛ إِنَّكَ ذُو مَنْ قَدِيمٍ ، وَصَفْحَ عَظِيمٍ ، وَتَجَاوُزَ كَرِيمٍ .

و نسبت به آنها باز خواست نشوم، که تو داری گرم دیرینه، و چشم‌پوشی بزرگ و گذشت کریمانه‌ای.

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ سَيِّبَكَ عَلَيَّ مَنْ لَا يَسْأَلُكَ ، وَعَلَى

خدایا تویی که عطایت را پی‌درپی فرو ریزی، بر کسی که از تو درخواست نمی‌کند، و بر

الْمُجَاهِدِينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ ، فَكَيْفَ سَيِّدِي بَيْنَ سَأَلِكَ ، وَآيَقَنَ أَنَّ

آنان که منکر پروردگاریت هستند، چه رسد آقای من بر کسی که از تو خواهش کرده و یقین نمود که

دُعایِ بوحسره ثمالی

الْخَلْقَ لَكَ، وَالْأَمْرَ إِلَيْكَ؟ تَبَارَكَتَ وَتَعَالَيْتَ؛ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

آفرینش از تو و فرمان تنها به دست توست، منزه و والایی ای پروردگار جهانیان،

سَيِّدِي، عَبْدُكَ بِبَابِكَ، أَقَامَتُهُ الْخِصَاصَةُ بَيْنَ يَدَيْكَ، يَقْرَعُ

ای آقای من بندهات به درگاه توست، تنگدستی او را پیش رویت قرار داده

بَابَ إِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ [وَيَسْتَعِظُ جَمِيلَ نَظْرِكَ بِمَكْنُونِ

با دعایش در خانه احسانت را می کوبد،

رَجَائِكَ]، فَلَا تُعْرِضْ بَوَجْهِكَ الْكَرِيمَ عَنِّي، وَاقْبَلْ مِنِّي مَا

پس روی کریمانهات را از من برمگردان، و آنچه می گویم از من بپذیر،

أَقُولُ، فَقَدْ دَعَوْتُ (دَعْوَتُكَ) بِهَذَا الدُّعَاءِ، وَأَنَا أَرْجُو أَنْ لَا تَرُدَّنِي،

من تو را به این دعا خواندم، امید دارم که به خاطر

مَعْرِفَةً مِنِّي بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ . إلهي أنت الذي لا يُخْفِيكَ

معرفتم به رأفت و مهرت مرا باز نگردانی. خدایا تویی آن که پرسندهای

سَائِلٌ، وَلَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ، أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ .

ناتوانت نکند، و عطاگیری از تو نکاهد، تو چنانی که خود گویی، و بالاتر از آنچه ما می گوئیم.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرًا جَمِيلًا، وَفَرَجًا قَرِيبًا، وَقَوْلًا صَادِقًا،

خدایا از تو صبری زبینه، و گشایشی نزدیک و گفتاری درست

وَاجْرًا عَظِيمًا؛ أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ

و مزدی بزرگ درخواست میکنم پروردگارا از خیر تمامش را از تو می خواهم، آنچه را

وَمَا لَمْ أَعْلَمْ؛ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ عِبَادُكَ

از آن دانستهام و آنچه را ندانستهام، خدایا از تو می خواهم بهترین چیزهایی را که بندگان

الصَّالِحُونَ؛ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَاجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، أَعْطِنِي

شایستهات از تو خواستند، ای بهترین کسی که از او خواسته می شود، و سخی ترین کسی که عطا فرمود، خواستهام

سُؤْلِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي، وَوَالِدَتِي وَوَالِدِي، وَأَهْلِي حُرَانَتِي

را در حق خودم و خانوادهام و پدر و مادرم و فرزندانم و خاصانم

وَإِخْوَانِي فِيكَ، [وَ] أَرْغِدْ عَيْشِي، وَأَظْهَرْ مُرْوَتِي، وَأَصْلِحْ

و برادران دینی ام به من عطا کن، زندگی ام را گوارا گردان، مروتم را آشکار ساز، و همه احوالم را

دُعایِ بوسنه شمالی

جَمِيعَ اَحْوَالِي ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ اَطَلَّتْ عُمُرُهُ ، وَحَسَنْتَ عَمَلَهُ ،

اصلاح کن، و مرا از کسانی قرار ده که عمرش را طولانی کردی، و کردارش را نیکو ساختی،

وَآتَمَّتْ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ ، وَرَضِيتَ عَنْهُ ، وَاحْيَيْتَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً

و نعمتت را بر او تمام کردی، و از او خشنود شدی، و او را به زندگانی پاکیزه زنده داشتی،

فِي اَدْوَمِ السُّرُورِ ، وَاسْبَغَ الْكِرَامَةِ ، وَاتَمَّ الْعَيْشَ ؛ اِنَّكَ تَفْعَلُ

در بادوام‌ترین خوشبختیها، و کامل‌ترین کرامتها و کامل‌ترین زندگیها، همانا تو هر چه را بخواهی انجام می‌دهی

مَا تَشَاءُ ، وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ . اَللّٰهُمَّ خُصِّنِي مِنْكَ

و جز تو هر چه را بخواهد توان انجام آن را ندارد. خدایا از جانب خود مرا

بِمَخَاصِئِ ذِكْرِكَ ، وَلَا تَجْعَلْ شَيْئًا مِّمَّا اتَّقَرَّبُ بِهِ فِي اَنَاءِ اللَّيْلِ

به ذکر خاصیت اختصاص ده، و چیزی از آنچه که به وسیله آن به تو تقرب می‌جویم را در همه اوقات شب

وَاطْرَافِ النَّهَارِ ، رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً ، وَلَا اَشْرًا وَلَا بَطْرًا ، وَاجْعَلْنِي

و روز و سبیله ریا و شهرت‌خواهی و هوس‌رانی و طغیانگری قرار مده، و مرا از

لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ . اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ ، وَالْاَمْنَ فِي

خاشعان در گاهت بگردان. خدایا از تو می‌خواهم که به من عطا کنی: گشایش در روزی، امنیت در

الْوَطَنِ ، وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْاَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ ، وَالْمُقَامَ فِي نِعْمِكَ

وطن، نور چشم در خانواده و مال و اولاد، و پایداری در نعمتهایی که

عِنْدِي ، وَالصَّحَّةَ فِي الْجِسْمِ ، وَالقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ ، وَالسَّلَامَةَ فِي

نزد من است، و تندرستی در جسم، و توانمندی در بدن، و سلامت در

الدِّينِ ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُوْلِكَ ، مُحَمَّدٍ صَلَّى

دین، و مرا به طاعتت و طاعت رسولت محمد که درود خدا

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، اَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِي ، وَاجْعَلْنِي مِنْ اَوْفَرِ عِبَادِكَ

بر او و خاندانش باد، به کار گمار، همیشه و تا هنگامی که عمرم داده‌ای، و مرا از پر نصیب‌ترین

عِنْدَكَ ، نَصِيْبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ اَنْزَلْتَهُ وَتُنزِلُهُ ، فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي

بندگانت در نزد خود قرار ده، پر نصیب‌تر در هر خیریی که فرو فرستادی، و در ماه رمضان در

لَيْلَةِ الْقَدْرِ ، وَمَا اَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا ،

شب قدر نازل می‌کنی، و نازل کننده‌ای در هر سال، از رحمتی که می‌گستری،

دُعایِ بوحسره ثمالی

وَعَافِيَةٍ تُلْبَسُهَا، وَيَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا، وَحَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا، وَسَيِّئَاتٍ

و عافیتی که می پوشانی، و بلایی که دفع می کنی، و خوبیهایی که می پذیری، و بدیهایی

تَتَجَاوَزُ عَنْهَا، وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، فِي عَامِي هَذَا

که از آن درمی گذری، و در این سال و هر سال زیارت خانهات را

وَفِي كُلِّ عَامٍ، وَارْزُقْنِي رِزْقًا وَاسِعًا مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ،

نصیبم فرما، و از فضل گستردهات روزی و فراخ ارزانی من کن،

وَاصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَسْوَاءَ، وَاقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ

و بدیهها را ای آقای من از من برگردان، و بدهی مرا بپرداز و جبران

وَالظُّلُمَاتِ، حَتَّى لَا آتَاذَنِي بِشَيْءٍ مِنْهُ، وَخُذْ عَنِّي بِأَسْمَاعِ

ستمهایی که بر عهده من است را ادا فرما تا به خاطر چیزی از آنها آزار نبینم و گوشها

وَأَبْصَارِ أَعْدَائِي، وَحُسَّادِي وَالْبَاغِينَ عَلَيَّ، وَانصُرْنِي عَلَيْهِمْ،

و دیدگان دشمنان و حسودان و متجاوزان بر من را از من برگیر، و مرا بر آنان پیروز کن،

وَاقْرَأْ عَيْنِي [وَ حَقِّقْ ظَنِّي]، وَفَرِّحْ قَلْبِي، وَاجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي

و چشمم را روشن فرما، و دلم را شادی بخش و برایم از اندوه

وَكَرْبِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا، وَاجْعَلْ مِنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ جَمِيعِ

و غم گشایش و بیرون رو قرار ده، و هر که از میان مخلوقات نسبت به من به بدی

خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمِي، وَاكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ، وَشَرَّ السُّلْطَانِ،

قصد کرده، زیر گامم قرار ده، و مرا از گزند شیطان و گزند پادشاه

وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي، وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا، وَاجْرِنِي مِنَ النَّارِ

و بدیهای کردارم کفایت کن، و از همه گناهان پاکم فرما، و به گذشتت از آتش

بِعَفْوِكَ، وَادْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَزَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ

امانم ده، و به رحمتت به بهشت واردم کن، و به احسانت از حور العین به همسری ام

بِفَضْلِكَ، وَالْحَقْنِي بِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ، مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَبْرَارِ،

در آور، و مرا به دوستان شایستهات محمد و خاندانش آن خوبان

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، صَلِّوْا تَكْ عَلَيْهِمْ وَعَلَىٰ أَجْسَادِهِمْ

و نیکان پاکیزه و پاک ملحق کن، درود بر آنان و بر تنها

دُعایِ بوسنه شمالی

وَأَرْوَاهِمْ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. إلهی و سیدی، وَعِزَّتِكَ
و جانهایشان، و رحمت خدا و برکاتش بر ایشان، خدایا ای آقای من، به عزت

وَجَلَالِكَ، لَئِنْ طَلَبْتَنِي بِذُنُوبِي لِأَطْلِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ، وَلَئِنْ
و جلالت سوگند، اگر مرا به گناهانم پیجوی کنی، من تو را به عفو تو پی می جویم و اگر

طَلَبْتَنِي بِلُؤْمِي لِأَطْلِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ، وَلَئِنْ أَدَخَلْتَنِي النَّارَ
مرا به پستی ام تعقیب نمایی، من تو را به کرمت می خواهم، و اگر به دوزخم دراندازی

لَأُخْبِرَنَّ أَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ. إلهی و سیدی، إِنْ كُنْتَ لَا تَغْفِرُ
اهل دوزخ را به محبتم به تو آگاه می سازم. خدایم، و آقایم اگر

إِلَّا لِأَوْلِيَائِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ، فَإِلَى مَنْ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ؟!
جز اولیا و اهل طاعتت را نیامرزی، پس گنهکاران به چه کسی پناه برند،

وَ إِنْ كُنْتَ لَا تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ، فَبِمَنْ يَسْتَعِيثُ
و اگر جز اهل وفا را اکرام نمایی، پس بدکاران از چه کسی فریادرسی

الْمُسيئون؟! إلهی إِنْ أَدَخَلْتَنِي النَّارَ، فَفِي ذَلِكَ سُورٌ عَدُوِّكَ،
خواهند؟، خدایا اگر مرا وارد دوزخ کنی این موجب خرسندی دشمن توست،

وَ إِنْ أَدَخَلْتَنِي الْجَنَّةَ، فَفِي ذَلِكَ سُورٌ نَبِيِّكَ، وَ أَنَا وَاللَّهُ أَعْلَمُ
و اگر مرا به بهشت وارد نمایی، این سبب خوشحالی پیامبر توست، و من به خدا سوگند این را می دانم،

أَنَّ سُورَ نَبِيِّكَ، أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُورِ عَدُوِّكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي
که دلشادی پیامبرت نزد تو، از خرسندی دشمنت محبوب تر است. خدایا از

أَسْأَلُكَ أَنْ تَمَلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ، وَ خَشْيَةً مِنْكَ، وَ تَصَدِّقًا
تو درخواست می کنم که دلم را از محبت و خشیتت، و باور به

بِكِتَابِكَ، وَ إِيمَانًا بِكَ، وَ فَرَقًا مِنْكَ، وَ شَوْقًا إِلَيْكَ؛ يَا ذَا الْجَلَالِ
کتابت، و ایمان به وجودت، و هراس از حضرتت، و اشتیاق به ذات پر کنی، ای دارای بزرگی

وَ الْإِكْرَامِ، حَبِّبْ إِلَيَّ لِقَاءَكَ وَ أَحْبِبْ لِقَائِي، وَ اجْعَلْ لِي فِي
و بزرگواری، کیدارت را محبوب من کن، و تو نیز مرا محبوب خود بدار، و در

لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَ الْفَرَجَ وَ الْكِرَامَةَ. اللَّهُمَّ الْحَقْنِي بِصَالِحِ مَنْ
لقایت برای من آرامش و گشایش و کرامت قرار ده. خدایا مرا به شایستگان از بندگان گذشتهات

دُعایِ بوسنره شمالی

مَضَى، وَاجْعَلْنِي مِنَ الصَّالِحِينَ، وَخُذْ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ،

ملحق ساز، و از شایستگان از آنان که در آینده اند قرار ده، و مرا بر راه شایستگان نگاهدار،

وَاعِنِّي عَلَى نَفْسِي بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ، وَاخْتِمْ

و بر مخالفت با خواسته های نفسم یاری ده، آنگونه که شایستگان را بر مخالفت با خواسته های نفسانی یاری می دهی،

عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ، وَاجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَاعِنِّي عَلَى

و کردارم را به نیکوترین وجه ختم کن، و پاداشم را در کارها به برکت رحمت تو بهشت قرار ده، و بر

صَالِحٍ مَا أَعْطَيْتَنِي، وَتَبَّتْ يَا رَبِّ، وَلَا تَرُدَّنِي فِي سَوْءٍ

شایسته های آنچه عطا کردی یاری ام نما و ثابت قدم کن، پروردگارا، و در ورطه بدیهایی که از آنها

اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ؛ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا

نجاتم دادی باز مگردان، ای پروردگار جهانیان. خدایا ایمانی از تو درخواست می کنم،

لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ، أَحِينِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ، وَتَوَفَّنِي إِذَا

که پایانی جز دیدار تو نداشته باشد، بر آن ایمن پایدارم بدار تا زنده ام می داری و بر آن بمیران زمانی

تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ، وَابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ، وَابْرِئْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ

که مرا می میرانی، و بر آن برانگیز، هنگامی که مرا برمی انگیزی، و دلم را از ریا

وَالشَّكِّ وَالسُّمْعَةِ فِي دِينِكَ، حَتَّى يَكُونَ عَمَلِي خَالِصًا لَكَ.

و شک و شهرت خواهی در دینت پاک فرما، تا عملم برای تو خالص باشد.

اللَّهُمَّ اعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ، وَفَهْمًا فِي حُكْمِكَ، وَفِقْهًا فِي

خدایا از تو می خواهم که به من عطا کنی: بصیرت در دینت، و فهم در فرمات، و آگاهی در

عِلْمِكَ، وَكَفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَوَرَعًا يَمْجُرُنِي عَنْ

علمت، و دو نصیب از رحمتت، و پرهیزی که مرا از نافرمانیهاست

مَعَاصِيكَ، وَبَيِّضْ وَجْهِي بِنُورِكَ، وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيْمَا عِنْدَكَ،

باز دارد، و رخسارم را به فروغ نورت سپید کن، و رغبتم را در آنچه نزد توست قرار ده،

وَ تَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

و در راه خود و بر آئین پیامبرت - درود خدا بر او و خاندانش - بمیران.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَشْلِ، وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ

خدایا به تو پناه می آورم از کسالت و سرافکندگی و اندوه و ترس

دُعایِ بوسنه شمالی

وَالْبُخْلِ، وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ [وَالذَّلَّةِ] وَالْمَسْكَنَةِ، وَالْفَقْرِ

و بخل و بی خبری و سنگدلی و ناداری و تهیدستی و بیچارگی

وَالْفَاقَةِ وَكُلِّ بَلِيَّةٍ، وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ، وَأَعُوذُ

و همه بلاها و زشتیهای آشکار و پنهان، و به تو پناه می آورم

بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ، وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ، وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ،

از نفسی که قانع نمی شود، و از شکمی که سیر نمی گردد، و از قلبی که فروتنی نمی کند،

وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ، وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَيَّ

و دعایی که به اجابت نمی رسد، و کرداری که سود نمی بخشد، پروردگارا برای

نَفْسِي وَدِينِي وَمَالِي، وَعَلَى جَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي، مِنَ الشَّيْطَانِ

حفظ جان و دین و مال و آنچه که نصیب من فرموده ای، از شیطان

الرَّحِيمِ؛ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ

رانده شده به تو پناه می آورم، همانا تو شنوا و دانایی. خدایا به یقین جز تو

أَحَدٌ، وَلَا أَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِداً، فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ

احدی مرا پناه نمی دهد، و به جز تو پناهگاهی نمی یابم، پس هستی ام را در دامن

مِنْ عَذَابِكَ، وَلَا تَرُدَّنِي بِهَلَاكَةٍ، وَلَا تَرُدَّنِي بِعَذَابِ أَلِيمٍ. اللَّهُمَّ

عذابت قرار نده، و به هلاکت و شکنجه در دناک بازگردان. خدایا

تَقَبَّلْ مِنِّي، وَاعْلِ ذِكْرِي، وَارْفَعْ دَرَجَتِي، وَحُطِّ وِزْرِي،

از من بپذیر و نامم را پرآوازه کن، و درجه ام را بالا ببر، و بار گناهم را بریز،

وَلَا تَذْكَرْنِي بِخَطِيئَتِي، وَاجْعَلْ ثَوَابَ مَجْلِسِي، وَثَوَابَ مَنْطِقِي،

و مرا به اشتباهم یاد مکن، و پاداش و پاداش به عبادت نشستن و گفتار

وَثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ، وَأَعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ،

و دعایم را خشنودی و بهشتت قرار ده، پروردگارا، همه آنچه را از تو خواستم به من عطا فرما،

وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ، إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ؛ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ

و از احسانت بر من بیفز، من مشتاق توام، ای پروردگار جهانیان، خدایا

إِنَّكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ [الْعَفْوَ وَآمَرْتَنَا]، أَنْ نَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمْنَا،

تو خود در قرآن فرمودی که از کسی که به ما ستم روا داشته گذشت کنیم،

اعمال سحری ماه مبارک رمضان

وَقَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَأَعْفُ عَنَّا، فَإِنَّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنَّا، وَأَمَرْتَنَا

و ما بر خود ستم ورزیدیم، پس از ما در گذر، که حضرتت به گذشت از ما، شایسته تر از ماست، و هم فرمان دادی

أَنْ لَا نَزِدَّ سَائِلًا عَن آبَائِنَا، وَقَدْ جِئْتُكَ سَائِلًا، فَلَا تَرُدَّنِي إِلَّا

که فقیری را دست خالی از در خانه هایمان نرانیم، و من اکنون به گدایی از تو به درگاہت آمدم، پس مرا جز

بِقَضَاءِ حَاجَتِي، وَأَمَرْتَنَا بِالْإِحْسَانِ إِلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُنَا،

با روا شدن حاجتم باز نگردان و نیز به نیکی درباره بردگانمان امر فرمودی،

وَنَحْنُ أَرْقَاؤُكَ، فَأَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ. يَا مَفْرَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي،

و هم اینک ما بردگان تویی، پس ما را از آتش دوزخ برهان،

وَيَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي، إِلَيْكَ فَرَعْتُ، وَبِكَ اسْتَعَثْتُ وَلَذْتُ،

ای پناهگاهم به وقت غم و اندوه، ای فریادرس به هنگام سختی، به تو پناه آوردم، و از تو فریادرسی خواستم،

لَا أَلُوذُ بِسِوَاكَ، وَلَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ، فَأَعِنِّي وَفَرِّجْ

به تو پناه آوردم، و جز به تو پناه نمی آورم و جز از تو درخواست گشایش نمی کنم، پس به فریادم رس و گشایشی در کارم

عَنِّي؛ يَا مَنْ يَفُكُّ الْأَسِيرَ (يَقْبَلُ الْيَسِيرَ)، وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ،

قرار ده، ای که اسیر را آزاد می کنی، و از گناه فراوان می گذری،

إِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ، وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ؛ إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ

از من عمل اندک را بپذیر، و از گناه بسیارم در گذر، همانا تو مهربان

الْغَفُورُ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ اِیْمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِیْ، وَیَقِیْنًا

و آمرزنده ای. خدایا ایمانی از تو می خواهم که دلم با آن همراه شود و باور

(صَادِقًا)، حَتَّىٰ أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ یُّصِیْبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي، وَرَضْنِي

صادقانه ای که بدانم هرگز چیزی به من نمی رسد، مگر آنچه که تو برایم ثبت کردی و مرا از زندگی

مِنَ الْعِیْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پَنجَم:

به آنچه که نصیبم فرمودی خوشنود بدار، ای مهربان ترین مهربانان.

و همچنین شیخ فرموده: این دعا را در سحرها بخوان: يَا عُدَّتِي

ای توشه ام

فِي كُرْبَتِي، وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي، وَيَا وَليِّي فِي نِعْمَتِي، وَيَا غَايَتِي

در اندوه بسیار، ای همراهم در سختیها، ای سرپرستم در گاه نعمت، ای هدفم

اعمال سحر آمیز مبارک رمضان

فِي رَغَبَتِي ، أَنْتَ السَّائِرُ عَوْرَتِي ، وَالْمُؤْمِنُ رَوْعَتِي ، وَالْمَقِيلُ

در میل و رغبت، تو پوشاننده زشتی منی، تو ایمنی بخش هراس منی، تو درگذرنده

عَثْرَتِي ، فَاعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خُشُوعَ

از لغزش منی، پس خطایم را ببامرز. خدا یا از تو فروتنی

الْإِيمَانِ قَبْلَ خُشُوعِ الذُّلِّ فِي النَّارِ؛ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ، يَا

ایمان را پیش از خواری در دوزخ خواستارم، ای یگانه، ای یکتا، ای تکیه گاه حاجات، ای

مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ؛ يَا مَنْ يُعْطَى مَنْ

که زاده و زاده نشده و هیچ همتایی ندارد، ای آن که از روی

سَأَلَهُ، تَحَنُّنًا مِنْهُ وَرَحْمَةً، وَيَبْتَدِئُ بِالْخَيْرِ، مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ تَفْضُلًا

محبت و رحمت به کسی که از او بخواهد عطا می کند، و از روی فضل و کرم بر کسی که از او درخواست نکرد شروع به خیر

مِنْهُ ، وَكِرْمًا بِكَرَمِكَ الدَّائِمِ ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ،

می نماید، به حق کرم جاودانت بر محمد و خاندان محمد درود فرست،

وَهَبْ لِي رَحْمَةً وَاسِعَةً جَامِعَةً ، أْبْلُغُ بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

و مرا رحمت گسترده و فراگیر بخش، که به سبب آن به خیر دنیا و آخرت برسم.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِمَا تُبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ ، ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ ،

خدا یا از تو آمرزش می جویم، برای گناهایی که پس از توبه از آنها، دوباره مرتکب آنها شدم،

وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ خَيْرٍ أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ ، فَخَالَطَنِي فِيهِ مَا

و از تو درخواست بخشش می کنم، برای هر عمل خیری که خالصانه برای تو انجام دادم، ولی آنچه برای رضای تو نبود،

لَيْسَ لَكَ . اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفُ عَن

آمیخته به آن شد. خدا یا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و از

ظُلْمِي وَجُرْمِي ؛ بِجَلْمِكَ وَجُودِكَ يَا كَرِيمُ . يَا مَنْ لَا يَخِيبُ

ستم و گناهم به بردباری و جودت درگذر، ای کریم، ای که گدایش را

سَائِلُهُ ، وَلَا يَنْفَدُ نَائِلُهُ ؛ يَا مَنْ عَلَا فَلَاشَيْءَ فَوْقَهُ ، وَدَنَا

محرورم نمی کند، و عطایش پایان ندارد، ای که برتر است و چیزی برتر از او نیست، و نزدیک است،

فَلَاشَيْءَ دُونَهُ ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَارْحَمْنِي يَا فَالِقَ

و چیزی نزدیکتر از او نمی باشد، خدا یا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، ای شکافنده

اعمال سحر نیمی ماه مبارک رمضان

الْبَحْرِ لِمُوسَى، اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ ! السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ !

دریا پیش روی موسی، همین شب، همین شب، همین شب، همین ساعت، همین ساعت، همین ساعت، همین ساعت،

اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي مِنَ النِّفَاقِ، وَعَمَلِي مِنَ الرِّيَاءِ، وَلِسَانِي مِنَ

خدایا دلم را از دورویی و کردارم را از ریا، زبانیم را از

الْكِبْرِ، وَعَيْنِي مِنَ الْخِيَانَةِ؛ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا

دروغ، و دیده‌ام را از خیانت پاک کن، همانا تو از خیانت دیده‌ها و آنچه

تُخْفِي الصُّدُورُ. يَا رَبِّ، هَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ؛ هَذَا

در سینه‌ها نپنهان است خبرداری، پروردگارا، این است جایگاه پناهنده به تو از آتش، این است

مَقَامُ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ؛ هَذَا مَقَامُ الْمُسْتَعِيثِ بِكَ مِنَ

جایگاه پناه‌خواه از تو از آتش، این است جایگاه دادخواه از تو از

النَّارِ؛ هَذَا مَقَامُ الْهَارِبِ إِلَيْكَ مِنَ النَّارِ؛ هَذَا مَقَامُ مَنْ يَبُوءُ

آتش، این است جایگاه گریزان به سوی تو از آتش، این است جایگاه کسی

لَكَ بِخَطِيئَتِهِ، وَيَعْتَرِفُ بِذَنْبِهِ، وَيَتُوبُ إِلَى رَبِّهِ؛ هَذَا مَقَامُ

که از خطایش به تو بازگشته، و به گناهش اعتراف می‌کند، و به سوی پروردگارش توبه می‌نماید، این است جایگاه

الْبَائِسِ الْفَقِيرِ؛ هَذَا مَقَامُ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ؛ هَذَا مَقَامُ

بینوای تهیدست، این است جایگاه هراسنده پناه‌جو، این است جایگاه

الْمَحْزُونِ الْمَكْرُوبِ؛ هَذَا مَقَامُ الْمَغْمُومِ [الْمَحْزُونِ] الْمَهْمُومِ؛

اندوهناک غمگین، این است جایگاه دلگیر افسرده،

هَذَا مَقَامُ الْغَرِيبِ الْغَرِيقِ؛ هَذَا مَقَامُ الْمُسْتَوْحِشِ الْفَرِيقِ؛

این است جایگاه غریب غرق شده، این است جایگاه ترسنده هراسان،

هَذَا مَقَامُ مَنْ لَا يَجِدُ لَذَنْبِهِ غَافِرًا غَيْرَكَ، وَلَا لِضَعْفِهِ مُقَوِّيًا

این است جایگاه کسی که برای گناهش آمرزگاری جز تو نیابد، و توان بخشی برای ناتوانی اش

إِلَّا أَنْتَ، وَلَا لَهُمْ مَفْرَجًا سِوَاكَ. يَا اللَّهُ يَا كَرِيمٌ، لَا تُحْرِقْ

جز تو پیدا نکند، و برای اندوهِش برگزیده‌ای جز تو نبیند، ای خدا ای کریم، چهره‌ام را

وَجْهِي بِالنَّارِ، بَعْدَ سُجُودِي لَكَ وَتَعْفِيرِي، بِغَيْرِ مَنْ مَنِّي عَلَيْكَ،

به آتش مسوزان، آن هم پس از سجده‌ام برای تو، و به خاک ساییدن رویم به درگاهت، بی آنکه منتی از من بر تو باشد،

اعمال سحر آمیز و مبارک رمضان

بَلْ لَكَ الْحَمْدُ وَالْمُنُّ وَالتَّفَضُّلُ عَلَيَّ ، اِرْحَمِ اَي رَبِّ اَي رَبِّ

بلکه تو را بر من، سپاس و منت و تفضل است، رحم کن پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا،

اَي رَبِّ (. . . آنقدر بگویند تا نفس قطع شود) ضَعْفَى ، وَقَلَّةً

پروردگارا، به ناتوانی ام و کمی

حَيْلَتِي ، وَرَقَّةً جِلْدِي ، وَتَبَدَّدَ اَوْصَالِي ، وَتَنَاثَرُ لَحْمِي وَجِسْمِي

تدبیرم، و نازکی پوستم، و از هم گسیختن بندهایم، و از هم پاشیدن گوشت و بدن

وَجَسَدِي ، وَوَحْدَتِي وَوَحْشَتِي فِي قَبْرِي ، وَجَزَعِي مِنْ صَغِيرِ

و پیکرم، و تنهایی و هراسم در قبر، و بی تابی ام از بلای

الْبَلَاءِ ؛ اَسْأَلُكَ يَا رَبِّ ، قُرَّةَ الْعَيْنِ وَالْاِغْتِبَاطَ ، يَوْمَ الْحَسْرَةِ

کوچک، از تو درخواست می کنم، پروردگارا، ای نور چشمم و خوشحالی روز اندوه

وَالنَّدَامَةِ ؛ بَيِّضَ وَجْهِ يَا رَبِّ ، يَوْمَ تَسْوَدُّ الْوُجُوهُ ، آمِنِّي مِنْ

و ندامتم، پروردگارا چهره ام را سپید کن آن روز که چهره ها سیاه می شود، از هول

الْفِرْعِ الْاَكْبَرِ ؛ اَسْأَلُكَ الْبُشْرَى يَوْمَ تُقَلَّبُ الْقُلُوبُ وَالْاَبْصَارُ ،

بزرگ تر امانم ده، از تو درخواست مژده می کنم برای روزی که دلها و دیده ها زیرو رو می شود،

وَالْبُشْرَى عِنْدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اَرْجُوهُ عَوْنًا [لِي]

و به هنگام جدا شدن از دنیا خواهان بشارتم، سپاس خدای را که به یاری او

فِي حَيَاتِي ، وَاَعِدُّهُ ذُخْرًا لِيَوْمِ فَاقَتِي ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اَدْعُوهُ

در زندگی ام امیدوارم، و او را چونان اندوخته روز تهیدستی ام مهیا می سازم سپاس خدای را که او را می خوانم،

وَلَا اَدْعُو غَيْرَهُ ، وَاَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَخَيَّبَ دُعَائِي ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ

و جز او را نمی خوانم، اگر جز او را می خواندم، خواندنم بی پاسخ می ماند، سپاس خدای را

الَّذِي اَرْجُوهُ وَاَلَا اَرْجُو غَيْرَهُ ، وَاَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَا خَلْفَ

که به او امید می بندم و به غیرش امید ندارم، اگر به جز او امید می بستم، امیدم ناامید

رَجَائِي ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَنِعِمِ الْمُحْسِنِ ، الْمُجْمَلِ الْمُفْضِلِ ، ذِي الْجَلَالِ

می شد، سپاس خدای را، خدای نعمت بخش نیکو کار زیبا کردار، فزون بخش دارای بزرگی

وَالْاِكْرَامِ ، وَاِلَى كُلِّ نِعْمَةٍ ، وَصَاحِبِ كُلِّ حَسَنَةٍ ، وَمُنْتَهَى كُلِّ

و اکرام، سرآغاز هر نعمت، و صاحب هر خوبی، و نهایت هر

اعمال سحری ماه مبارک رمضان

رَغْبَةً، وَقَاضَى كُلَّ حَاجَةٍ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ،

و برآورنده هر نیاز. خدا یا بر محمد و خاندان محمد درود فرست،

وَارْزُقْنِي الْيَقِيْنَ وَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ، وَ اثْبِتْ رَجَاءَكَ فِي قَلْبِي،

و باور نیکو و خوش گمانی به خویش را نصیب کن، و امیدت را در دلم استوار گردان،

وَ اقْطَعْ رَجَائِي عَمَّنْ سِوَاكَ، حَتَّى لَا أَرْجُو غَيْرَكَ، وَلَا أَثِقُ إِلَّا

و رشته امیدم را از غیر خودت ببر، تا به غیر تو امید نبندم، و جز به تو اعتماد

بِكَ؛ يَا لَطِيْفًا لِمَا تَشَاءُ، اَلطُّفُ لِي فِي جَمِيعِ اَحْوَالِي بِمَا تُحِبُّ

نمایم، ای لطف کننده به هر موجودی که خواهی، در همه احوالم آنگونه که می پسندی

وَتَرْضَى. يَا رَبِّ، اِنِّي ضَعِيفٌ عَلَي النَّارِ، فَلَا تُعَذِّبْنِي بِالنَّارِ. يَا رَبِّ

و خشنود می شوی به من لطف کن، بار پروردگارا در برابر آتش ناتوانم، پس مرا به آتش کیفر مکن، پروردگارا

اِرْحَمْ دُعَائِي وَتَضَرُّعِي، وَخَوْفِي وَذُلِّي وَمَسْكَنَتِي، وَتَعْوِيذِي

به دعا و زاری و ترس و خواری و مسکنت و پناهندگی و پناه جویی ام

وَ تَلْوِيذِي. يَا رَبِّ اِنِّي ضَعِيفٌ عَنِ طَلْبِ الدُّنْيَا، وَ اَنْتَ وَاَسِعُ

رحم فرما، ای پروردگار من از طلب دنیا در مانده ام، و تو وسعت بخش

كَرِيْمٌ؛ اَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِقُوَّتِكَ عَلٰى ذٰلِكَ، وَ قُدْرَتِكَ عَلَيْهِ،

و کریمی، از تو درخواست می کنم پروردگارا به تواناییات بر این کار، و نیرویت بر آن،

وَ غِنَاكَ عَنْهُ، وَ حَاجَتِي اِلَيْهِ، اَنْ تَرْزُقَنِي فِي عَامِي هٰذَا، وَ شَهْرِي

و بی نیازیات از آن، و نیاز من به آن، که در این سال و این ماه،

هٰذَا، وَ يَوْمِي هٰذَا، وَ سَاعَتِي هٰذِهِ، رِزْقًا تُغْنِيْنِي بِهِ عَنِ تَكْلِيفِ مَا

و این روز و این ساعت روزی نصیب کنی، که به سبب آن از به زحمت افتادن نسبت به آنچه

فِي اَيْدِي النَّاسِ، مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ. اَي رَبِّ مِنْكَ

در اختیار مردم است بی نیازم نمای، آری از روزی حلال و پاکیزهات روزی ام کن، ای پروردگارم از تو

اَطْلُبُ، وَ اِلَيْكَ اَرْغَبُ، وَ اِيَّاكَ اَرْجُو، وَ اَنْتَ اَهْلُ ذٰلِكَ،

درخواست می کنم، و به سوی تو میل می نمایم، و به تو امید دارم که تو سزاوار آنی، و به غیر تو امید نمی بندم،

لَا اَرْجُو غَيْرَكَ، وَلَا اَثِقُ اِلَّا بِكَ؛ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ. اَي رَبِّ

و جز تو به کسی اطمینان نمی نمایم، ای مهربان ترین مهربانان، پروردگارا

اعمال سحر آمیز و مبارک رمضان

ظَلَمْتُ نَفْسِي ، فَاعْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَعَافِنِي ؛ يَا سَامِعَ كُلِّ

بر خود ستم کردم، پس مرا بیامرز و به من رحم کن، و سلامت کاملم بخش، ای شنونده

صَوْتٍ ، وَيَا جَامِعَ كُلِّ قَوْتٍ ، وَيَا بَارِيَّ النَّفْسِ بَعْدَ الْمَوْتِ ،

هر صدا، ای جمع آورنده هر چه از دست رفته، ای آفریننده جانها پس از مرگ،

يَا مَنْ لَا تَغْشَاهُ الظُّلُمَاتُ ، وَلَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ ،

ای که تاریکیها او را نپوشاند، و صداها بر او مشتبه نشود،

وَلَا يَشْغَلُهُ شَيْءٌ عَنِ شَيْءٍ ، أَعْطِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ،

و چیزی او را از چیز دیگر منصرف نکند، به محمد (درود خدا بر او و خاندانش)

أَفْضَلَ مَا سَأَلْتُكَ ، وَأَفْضَلَ مَا سُئِلْتَ لَهُ ، وَأَفْضَلَ مَا أَنْتَ

عطا کن برترین چیزی را که از تو خواسته، و برترین چیزی را که از تو درخواست شده، و برترین چیزی را که از تو

مَسْئُولٌ لَهُ ، إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَهَبْ لِي الْعَافِيَةَ ، حَتَّى تُهَيِّئَنِي

برای او تا روز قیامت درخواست شود، و مرا تندرستی کامل عنایت فرما، تا زندگی برایم

الْمُعِيشَةَ ، وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ ، حَتَّى لَا تَضُرَّنِي الذُّنُوبُ . اللَّهُمَّ

گوارا باشد، و کارم را به خیر پایان ده تا گناهانم به من زیانی نرساند. خدایا

رَضِّنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي ، حَتَّى لَا أَسْأَلَ أَحَدًا شَيْئًا . اللَّهُمَّ صَلِّ

به آنچه که نصیبم فرمودی خشنودم ساز، تا چیزی از کسی نخواهم. خدایا

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَافْتَحْ لِي خَزَائِنَ رَحْمَتِكَ ، وَارْحَمْنِي

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و خزانههای رحمتت را به رویم باز کن، و به من رحم کن

رَحْمَةً لَا تُعَذِّبُنِي بَعْدَهَا أَبَدًا ، فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَارْزُقْنِي مِنْ

رحمتی که هرگز پس از آن، در دنیا و آخرت عذابم نکند، و از

فَضْلِكَ الْوَاسِعِ ، رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا ، لَا تُفْقِرُنِي إِلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ

فضل گستردهات روزی حلال پاکیزه‌ای نصیبم فرما، که پس از آن به احدی جز خود

سِوَاكَ ، تَزِيدُنِي بِذَلِكَ شُكْرًا ، وَآلِيكَ فَاقَةً وَفَقْرًا ، وَبِكَ عَمَّنْ

نیازمندم نکنی، و به سبب آن رزق و روزی بر سپاسم بیفزایی، و درماندگی نیازم را به جانب خود زیاد کنی،

سِوَاكَ غِنًى وَتَعَفُّفًا . يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ ، يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ ، يَا

و به تو بی‌نیازی و خویشتن‌داری‌ام از غیر تو افزون گردد، ای نیکوکار، ای زیبا کردار، ای نعمت‌بخش، ای افزون‌ده، ای

اعمال سحر نهمی ماه مبارک رمضان

مَلِيكَ يَا مُقْتَدِرُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاكْفِنِي الْمُهَمَّ

زامدار، ای توانا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و همه کارهای مهم ما را کفایت

كُلُّهُ، وَاقْضِ لِي بِالْحُسْنَى، وَبَارِكْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي، وَاقْضِ

فرما، و بر من به حسن عاقبت داوری کن، و در همه امور به من برکت بخش، و تمام

لِي جَمِيعَ حَوَائِجِي. اَللّٰهُمَّ يَسِّرْ لِي مَا اَخَافُ تَعْسِيرَهُ،

حاجاتم را برآور. خدایا سختی آنچه را می ترسم بر من آسان کن،

فَاِنَّ تَيْسِيرَ مَا اَخَافُ تَعْسِيرَهُ، عَلَيْكَ [سَهْلٌ] يَسِيرٌ،

به یقین آسان کردن آنچه من از سختی اش می هراسم بر تو هموار و ساده است،

وَسَهْلٌ لِي مَا اَخَافُ حُزُونَتَهُ، وَنَفْسٌ عَنِّي مَا اَخَافُ ضَيْقَهُ،

و آنچه از ناهمواری اش می ترسم بر من هموار ساز، و آنچه از تنگی اش وحشت دارم،

وَكَفَّ عَنِّي مَا اَخَافُ هَمَّهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي مَا اَخَافُ بَلِيَّتَهُ؛ يَا

از من بردار، و آنچه را از اندوهش ترسانم، از من بازدار، و آنچه را از بلایش خوفناکم، از من بازگردان، ای

اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اَللّٰهُمَّ اَمَلْ قَلْبِي حُبًّا لَكَ، وَخَشِيَّةً مِنْكَ،

مهربان ترین مهربانان. خدایا دلم را از محبت به حضرتت، و ترس از خویش

وَتَصَدِّقًا لَكَ، وَاِيْمَانًا بِكَ، وَفَرَقًا مِنْكَ، وَشَوْقًا اِلَيْكَ؛ يَا

و باور به خود و ایمان به هستی ات و هراس از خود، و شوق به سویت آکنده کن، ای

ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ. اَللّٰهُمَّ اِنَّ لَكَ حُقُوقًا فَتَصَدَّقْ بِهَا عَلَيَّ،

دارای بزرگی و بزرگواری. خدایا تو را بر من حقوقی است، آنها را بر من ببخش،

وَلِلنَّاسِ قَبْلِي تَبَعَاتٌ فَتَحَمَّلْهَا عَنِّي، وَقَدْ اَوْجَبْتَ لِكُلِّ

و هم برای مردم بر عهده من ستمهای ناخواسته ای است ادای آنها را از جانب من بر عهده گیر،

صَيْفٍ قَرِيٍّ، وَاَنَا ضَيْفُكَ، فَاجْعَلْ قِرَائِي اللَّيْلَةَ الْجَنَّةَ؛ يَا

تو برای هر میهمانی پذیرایی واجب کردی، و من میهمان توام پس پذیرایی مرا در این شب بهشت قرار ده، ای

وَهَابَ الْجَنَّةِ، يَا وَهَابَ الْمَغْفِرَةِ، [و] لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ.

بخشنده بهشت، ای بخشاینده آمرزش، جنبش و نیرویی جز به تو نیست

ششم: دعای ادريس را که شيخ طوسي و سيد ابن طاووس